فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۹، شماره ۴، تابستان ۱۴۰۴، صفحات ۱۵۰-۱۰۷

حکمرانیِ خوب: مرور نظام‌مند مطالعات صورت گرفته در ایران

محمد شمسی[۱]، دکتر رضا همتی[۲]

تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۱۰/۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱/۳۰

چکیده:

با استقبال نظریه‌پردازان حوزه‌های توسعه از موضوعات جدید و همچنین افزایش توجهات به نقش‌آفرینی و کارآمدی نهاد دولت از حدود دهه ۱۹۹۰ میلادی، موضوعاتی مانند «حکمرانی خوب» در صدر علایق محققان ذیربط قرار گرفت. در ایران نیز از حدود دو دهه گذشته به این‌سو تعداد زیادی از مطالعات در حوزه‌های گوناگون علوم انسانی به نقش و اهمیت حکمرانی خوب اختصاص یافته است. پژوهش حاضر با هدف فهم عمیق‌تر از محتوای این مطالعات و همچنین ارزیابی نتایج آن‌ها صورت گرفته است. به منظور دستیابی به هدف مذکور با بهره‌گیری از روش مرور نظام‌مند، پس از شناسایی بیش از ۱۵۰ مقاله مرتبط در پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی، تعداد ۳۰ مقاله انتشاریافته طی پانزده سال اخیر (۱۴۰۰-۱۳۸۵) به‌عنوان نمونه برگزیده شد. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن بود که اغلب محققان داخلی علاقه‌مند به تحلیل این موضوع در سطح «ملی» بوده‌اند. افزون بر آن از میان مؤلفه‌های حکمرانی خوب، «کارایی و اثربخشی» بیش از سایر مؤلفه‌ها موردتوجه محققان بوده است. ارزیابی مطالعات از حیث روش‌شناختی نیز نشان داد اغلب پژوهش‌ها در سنجش و تحلیل حکمرانی خوب تلاش زیادی برای استفاده از شاخص‌ها و ابزارهای معتبر در سطح جهانی داشته‌اند. تجزیه راهکارها و پیشنهادها مندرج در مقالات نیز نشانگر توجه به نقش‌آفرینی هر دو رکن «دولت» و «جامعه» در بهبود وضعیت حکمرانی بوده است. مطابق با یافته‌های پژوهش می‌توان گفت نیمی از مطالعات صورت گرفته فاقد هرگونه راهبرد یا پیشنهاد معین بوده‌اند. همچنین توجه اندک محققان به بافت و زمینه فرهنگی در مطالعه حکمرانی خوب نیز از دیگر کاستی‌های موجود در این پژوهش‌ها بوده است.

مفاهیم کلیدی: *حکمرانی خوب، توسعه، دولت، مرور نظام‌مند*

---

[۱] دانشجو دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران v.shamsi@ltr.ui.ac.ir

[۲] دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول) r.hemati@ltr.ui.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

پس از گذشت چندین دهه از طرح مباحث توسعه بحث در خصوص کارگزاران آن همچنان جریان دارد. مناقشه بر سر تمایل به نقش‌آفرینی یا عدم نقش‌آفرینی هر یک از سه کارگزار اصلی، یعنی دولت، بازار و جامعه مدنی بخش اعظمی از ایده‌ها و نظریات را به خود اختصاص داده است. در این میان به نظر می‌رسد مفروضاتی که بر سر جایگاه و عملکرد مورد انتظار برای دولت‌ها در پیشروی به سمت توسعه وجود دارد، دست کم در آثار و منابع منتشرشده از سایرین افزون‌تر است (*Fukuyama, 2017; Evans, 2011; North, 2015; Nily, 2008*). موقعیت دولت‌ها نیز متأثر از در پیش گرفتن حکمرانی خوب[1] یا بی‌اعتنایی به آن همواره دستخوش دگرگونی‌های سطحی یا بنیادین بوده است. تمامی حوزه‌های مرتبط با نقش‌آفرینی دولت‌ها اعم از اقتصاد، رفاه، آموزش، سلامت و خدمات بهداشتی، دادگستری و ... به نحوی از حکمرانی دولت بهره‌مند یا متضرر خواهند شد. بنابراین حکمرانی خوب مدعی است که نهادهای دولتی می‌توانند تصمیمات، سیاست‌ها و برنامه‌های درستی را برای افزایش کیفیت خدمات عمومی در جهت حفظ هدف توسعه‌ی مؤثر و رشد اقتصادی کارآمد تنظیم کرده و تحقق ببخشند (*Suhradi & et. al, 2020: 35*). پس مداخلات دولت و کیفیت آن‌که معمولاً در عرصه عمومی به وقوع می‌پیوندد نقش مهم حکمرانی خوب را بیش‌ازپیش برجسته می‌سازد.

سیاست‌گذاری هر کشور در مسیر دستیابی به توسعه نیز تحت تأثیر عملکرد دولت‌ها ارزیابی می‌شوند. جریان توسعه با تمامی فراز و فرودها مصداق خوبی از اهمیت نقش‌آفرینی دولت‌هاست. پس از ظهور کینزگرایی و حمایت از دخالت حداکثری دولت در راستای خروج از رکود عظیم که پس از پایان دومین جنگ جهانی به دولت بزرگ انجامید و تا سال ۱۹۷۰ ادامه یافت؛ جایگاه و اهمیت دولت‌ها بیش از پیش برجسته شد. در این مقطع شرکت‌های دولتی به‌عنوان قهرمانان ملی[2] تصور می‌شدند و دولت را عامل تصحیح شکست بازار می‌دانستند. بعد از شکست عقاید کینزین‌ها و سیاست‌های طرف تقاضای آن از اواخر دهه ۱۹۷۰ تا اواخر دهه ۱۹۹۰ دولت کوچک و حداقلی با اعمال سیاست‌های عرضه، غالب شد. کلاسیک‌های جدید و مکتب شیکاگو خصوصی‌سازی را غایت و کمال مطلوب دانسته و خواهان کاهش سهم و محدود کردن نقش اقتصاد در دولت بودند؛ لذا در این دوران نگاه به دولت از «عامل توسعه» به مانعِ جدی توسعه تغییر یافت. از اواخر دهه ۱۹۸۰ طرح بانک

[1] good governance
[2] national heroes

جهانی بحث حکمرانی خوب را طرح کرد. این نهاد بین‌المللی معتبر در گزارشی که در سال ۱۹۸۹ منتشر کرد برای نخستین بار حکمرانی خوب را به‌عنوان «ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخگو» تعریف کرده است (*Jabbari, 2018:41*). از آن زمان تاکنون تأکید بر نقش دولت‌ها به‌عنوان کارگزار اصلی توسعه و از آن مهم‌تر کیفیتی که از عملکرد خود در عرصه عمومی برجای می‌گذارد در قالب مفهوم حکمرانی خوب به‌صورت جدی در محافل علمی و سیاسی مورد بحث قرار گرفته است.

حکمرانی خوب ضامن رسیدن کشورها به سطوح بالاتری از رضایت عمومی خواهد بود و به تحقق اهداف توسعه‌ای یاری می‌رساند. حکمرانی خوب پاسخگوی نیازهای حال و آینده جامعه است. اخیراً اصطلاح «حکومت» و «حکمرانی خوب» به‌طور فزاینده در ادبیات توسعه استفاده می‌شود (*Fazeli & Jalili Konari, 2013:10*). در مقابل آن هر چه از حکمرانی خوب فاصله گرفته و به سوی حکمرانی بد پیش برویم بر سطوح نارضایتی و نابسامانی در کشورها افزوده خواهد شد. [حکمرانیِ بد[1]] به‌طور فزاینده به‌عنوان یکی از علل ریشه‌ای همه مضرات در جوامع در نظر گرفته می‌شود. مؤسسات مالی و اهداکنندگان عمده بین‌المللی، کمک و وام خود را در شرایطی که اطمینان حاصل شود اصلاحات در «حاکمیت خوب» انجام می‌شود اهدا می‌کنند. بنابراین باید گفت هر سیاستی که کشورها در قبال شهروندان اتخاذ می‌کنند به‌طور گسترده از نوع حکمرانی آن‌ها برمی‌خیزد. این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که حکمرانی علیرغم دامنه اثرگذاری وسیع تنها بخشی از عملکرد کشورها را به تصویر می‌کشد و برای درک بهتر از وضعیت اجتماعی در هر کشوری به کنکاش بیشتری در شرایط ملی و بین‌المللی کشورها نیازمندیم.

عملکرد دولت‌ها به لحاظ پایبندی به اصول حکمرانی خوب در فهم بهتر از جایگاه آن‌ها واجد اهمیت فراوانی است. موقعیت کشورهای گوناگون در ارزیابی‌های به عمل آمده با استفاده از شاخص حکمرانی خوب نشانگر اختلاف سطح آن‌ها در پایبندی و اجرای اصول و مبانی مورد انتظار است. در این زمینه اشاره به برخی از مهم‌ترین آمارها و شواهد مرتبط با وضعیت ایران می‌تواند راهگشا باشد: آن‌گونه که آمارهای به‌دست‌آمده از بانک جهانی تحت عنوان «شاخص‌های حکمرانی در سراسر جهان»[2] (*WGI*) نشان می‌دهد، وضعیت ایران در هر یک از اصول حکمرانی خوب به هیچ وجه مناسب نیست. آخرین آمارهای به‌دست آمده مربوط به سال ۲۰۲۱ نشان می‌دهد رتبه ایران در شاخص مسئولیت‌پذیری از صفر (پایین‌ترین مرتبه)

[1] bad governance
[2] Worldwide Governance Indicators

تا صد (بالاترین مرتبه) ۹ بوده است. در معیارهای دیگر مانند پایداری سیاسی بدون خشونت، اثربخشی حاکمیت، کیفیت سازمان‌دهی و کنترل فساد نیز به ترتیب رتبه‌های ۷، ۱۸، ۴ و ۱۳ را به خود اختصاص داده است[۱] (*World Bank, 2022*)؛ همچنین با دقت در دیگر آمارهای بین‌المللی نیز می‌توان دریافت که وضعیت حکمرانی کشور تا حد زیادی نابسامان است. به‌عنوان نمونه گزارش شاخص رفاه لگاتوم در سال ۲۰۲۳ می‌گوید که وضعیت حکمرانی طی ۱۰ سال شاهد افول بوده که عمدتاً به دلیل بدتر شدن محدودیت‌های اجرایی، پاسخگویی سیاسی و حاکمیت قانون بوده است. نگاه به وضعیت ایران در این شاخص نشان می‌دهد از میان ۱۶۷ کشور جهان، ایران در رکن حکومت‌داری در رتبه ۱۴۶ دنیا قرار گرفته است (*Fararu, 2023*). تعمق در این شواهد گویای آن است که برخلاف تصور با گذشت زمان بهبودی در وضعیت حکمرانی کشور حاصل نشده و در مقاطع مختلف دچار نوسان بوده است. لازم به گفتن نیست که افت محسوس در هر کدام از این شاخص‌ها به دنبال خود چه آسیب‌ها و پیامدهای نامطلوبی را در سطوح خرد و کلان چه در کوتاه‌مدت و چه در فواصل بلندمدت بر جای خواهد گذاشت و به نوبه خود به حکمرانی بد خواهد انجامید. حکمرانی بد می‌تواند پیامدهای منفی زیادی برای یک کشور و جامعه به همراه داشته باشد. از آن جمله می‌توان به گسترش فساد در سطح جامعه اشاره کرد: در حکمرانی بد، فساد مالی و اداری افزایش می‌یابد که منجر به هدررفت منابع و کاهش اعتماد عمومی می‌شود. همچنین نابرابری اجتماعی از جمله نتایج منفی حکمرانی بد است. توزیع ناعادلانه ثروت و فرصت‌ها می‌تواند به افزایش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی بین گروه‌های مختلف جامعه منجر شود. در کنار اینها ارائه خدمات عمومی مانند بهداشت، آموزش و زیرساخت‌ها تحت تأثیر حکمرانی بد قرار می‌گیرد و کیفیت آن‌ها کاهش می‌یابد (*Yieh & et. al, 2016*).

امروزه اکثر محققان، سیاست‌گذاران، اهداکنندگان کمک و دریافت‌کنندگان کمک به این موضوع اذعان دارند که حکمرانی خوب یک عنصر اساسی توسعه در اشکال مختلف آن است. این درک رو به رشد، در ابتدا توسط مجموعه بسیار محدودی از معیارهای تجربی حکمرانی به

---

[۱] شاخص‌های حکمرانی در سراسر جهان (*WGI*) مجموعه‌ای از دسته‌بندی‌های تحقیقاتی است که دیدگاه‌های مربوط به کیفیت حکمرانیِ ارائه شده توسط تعداد زیادی از شرکت‌ها، شهروندان و پاسخ‌دهندگان متخصص در کشورهای صنعتی و در حال توسعه را خلاصه می‌کند. این داده‌ها از تعدادی مؤسسات نظرسنجی، اتاق‌های فکر، سازمان‌های غیر دولتی، سازمان‌های بین‌المللی و شرکت‌های بخش خصوصی جمع‌آوری شده است. شاخص‌های حکمرانی در سراسر جهان دیدگاه‌های رسمی بانک جهانی، مدیران اجرایی آن، یا کشورهایی که آنها نمایندگی می‌کنند را منعکس نمی‌کند.

دست آمد. با این‌حال مطالعات صورت‌گرفته نیز واجد برخی کاستی‌ها هستند. پژوهش‌های مرتبط با حکمرانی خوب به رغم اهمیت بالایی که دارند، با برخی ضعف‌ها و چالش‌ها مواجه‌اند. عمده تحقیقات پیشین با ضعف‌هایی همانند تعریف مبهم، عدم توجه به زمینه‌های فرهنگی، داده‌های ناکافی، تمرکز بر شاخص‌های کمی، نادیده گرفتن تأثیرات جهانی، نگاه یک‌بعدی و چالش‌های روش‌شناختی مواجه‌اند. این مسائل می‌توانند دقت و اعتبار نتایج را تحت تأثیر قرار دهند. به تدریج علاقه شدیدی به توسعه شاخص‌های دقیق‌تر، ظریف‌تر و مرتبط با سیاست‌های حکمرانی را برانگیخت. طی دو دهه اخیر با گسترش مباحث مرتبط با نقش دولت و ارزیابی عملکرد دولت‌ها علاقه محققان به بررسی تجربی و نظری این موضوع در میان پژوهشگران و صاحب‌نظران داخل کشور دو چندان شده است. حجم وسیع مطالعات بر پایه مفهوم حکمرانی خوب و مفاهیم نزدیک به آن گویای این حقیقت است. پژوهش حاضر تلاش می‌کند با تکیه بر برخی از مهم‌ترین مقالات منتشر شده با محوریت این موضوع به درکی از ادبیات موجود پیرامون نقش‌آفرینی دولت‌ها به‌طورکلی و حکمرانی خوب به‌طور خاص دست یابد.

بر همین اساس مهم‌ترین پرسش‌هایی که در پژوهش حاضر در صدد پاسخ‌گویی به آن‌ها هستیم عبارت‌اند از:

۱- مهم‌ترین شاخص‌های پیشنهادی برای ارزیابی حکمرانی خوب در ایران یا سایر کشورها کدامند؟

۲- نتایج به‌دست آمده از این مطالعات عمدتاً بر چه سطحی از تحلیل متمرکز است؟

۳- مطالعات صورت گرفته عمدتاً بر کدام یک از مؤلفه‌های حکمرانی خوب (مسئولیت‌پذیری، عدالت، پاسخگویی، شفافیت و ...) تمرکز داشته‌اند؟

پیشینه پژوهش

اگر چه موضوع حکمرانی خوب در سال‌های اخیر پژوهش‌های زیادی را به خود اختصاص داده است؛ اما جامع‌ترین مطالعه‌ای که در داخل کشور با تکیه بر این موضوع انجام شده؛ یک طرح مفصل پژوهشی است که توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۲۰۰۵)، با عنوان« نظریه حکمرانی خوب: توانمندسازی دولت» تدوین و منتشر شده است. در اثر مذکور که صبغه نظری آن قوی‌تر است برخی از مؤلفه‌های حکمرانی خوب در چارچوب وظایف اصلی دولت مور تحلیل قرار گرفته‌اند. وظایفی از قبیل تنظیم قواعد که بر روی مباحثی همچون ایجاد نظام حقوقی، قانونمندی و انضباط اقتصادی تمرکز کرده است؛ یا وظایف مربوط به

ترویج و تعمیم که بحث تأمین نیازها و بصیرت‌سازی را در بر می‌گیرد. این وظایف در زیرمجموعه‌های مرتبط با خود مورد بحث قرار گرفته‌اند. این گزارش در جمع‌بندی نهایی خود چنین نتیجه‌گیری می‌کند که حکمرانی خوب در استقرار اقتصاد دانایی، برای ارتقای هر چه بیشتر کیفیت زندگی بهتر معنا و مفهوم پیدا می‌کند.

حکمرانی خوب به‌عنوان یک موضوع مستقل در دستور کار مطالعات بسیاری در داخل و خارج از کشور قرار گرفته است؛ با این حال پژوهش حاضر نخستین مطالعه‌ای است که بهره‌گیری از روش مرور سیستماتیک (نظام‌مند) بر روی تعدادی از مطالعات داخلی با محوریت این موضوع انجام می‌شود. اگر چه مرور سیستماتیک موضوعاتی دیگر همانند: «تعارض کار ـ خانواده» (*Shamsi & et. al, 2022*)؛ «طلاق و عوامل اثرگذار» (*Eskandari Nejad & Fathi Ashtiani, 2020*)؛ «سواد سلامت» (*Mirmohammadkhani & et. al, 2020*)؛ «جایگاه خانواده» (*Mehrabi, 2019*)؛ «حاشیه‌نشینی» (*Bahmani & et. al, 2018*)؛ «کاهش باروری» (*Shojaei & Yazdkhasti, 2017*)؛ «هویت دینی» (*Ghanbar Barziani & Hemmati, 2015*) و «علم و فناوری» (*Zakersalehi & Qanirad, 2014*)، در میان آثار پژوهشگران داخلی به چشم می‌خورد؛ اما طبق بررسی‌های انجام شده هیچ مرور نظام‌مندی با محوریت موضوع حکمرانی خوب در میان مطالعات به چشم نمی‌خورد.

با وجود غیبت مرور نظام‌مند این موضوع در میان مطالعات پژوهشگران داخلی، بررسی‌ها نشان می‌دهد که مرور نظام‌مند حکمرانی خوب در بین مقالات منتشرشده در خارج از کشور به چشم می‌خورد: *Thompson & et. al (2022)* در پژوهشی با عنوان «مرور نظام‌مند اصول حکمرانی در ورزش» تعدادی از پژوهش‌های مرتبط با حکمرانی خوب در حوزه ورزش را مورد توجه قرار دادند. یافته‌های این مقاله در حوزه حکمرانی ورزش، چهار دسته اصول حکمرانی را به دانشگاهیان و متخصصان معرفی می‌کنند که حکومت‌های مختلف آن‌ها را به‌کار می‌گیرند: الف) ساختاری در سطوح مختلف سازمان (یعنی شامل و فراتر از هیئت مدیره)، ب) در فرآیندهای مدیریتی سازمان، ج) به‌عنوان نتایج مطلوب سازمانی و د) با توجه به ویژگی‌های زمینه‌ای مطالعات. به عقیده آن‌ها محققان و متخصصان باید در استفاده از اصطلاحات هدفمند باشند؛ مثلاً «اصل» در مقابل «شاخص». همچنین اصطلاحات آنها را تعریف کنند و جزئیات بیشتری را برای ارائه نتایج ارزیابی با کیفیت بالاتر ارائه دهند.

دستیابی به درکی عمیق از هر مفهوم در قلمرو جامعه‌شناسی در سایه بررسی دقیق و همه‌جانبه آن حاصل می‌شود؛ بنابراین مطالعه مفاهیم با بهره‌گیری از روشی که ادبیات یک موضوع را در شکلی سازمان‌یافته به بوته تحلیل و یا نقد بگذارد از بسیاری جهات می‌تواند به

محققان علاقه‌مند کمک کند. پیشینه موضوع نشان می‌دهد که اگر چه حکمرانی خوب جایگاه ویژه‌ای در میان مطالعات پژوهشگران دارد اما پرداختن به آن در شکلی جامع کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر با در نظر داشتن خلاء موجود تلاش می‌کند تا برخی از مطالعات تجربی صورت گرفته در زمینه حکمرانی خوب را در شکلی نظام‌مند مورد بررسی قرار دهد.

واکاوی ادبیات پژوهش

مرور نظام‌مند همانند اغلب پژوهش‌های اجتماعی نیازمند به یک مبنای تئوریک است که به پژوهشگر کمک می‌کند تا نتایج تحقیقات قبلی را در یک بستر مشخص قرار دهد. این ادبیات نظری می‌تواند شامل مفاهیم، متغیرها و روابط بین آن‌ها باشد که به تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری کمک می‌کند. در کنار این‌ها مرور نظام‌مند می‌تواند به توسعه نظریه‌های جدید یا اصلاح نظریه‌های موجود کمک کند. با جمع‌آوری و تحلیل داده‌های مختلف، پژوهشگران می‌توانند نقاط ضعف و قوت نظریه‌های موجود را شناسایی کرده و پیشنهاداتی برای بهبود آن‌ها ارائه دهند؛ همچنین نظریه‌های مرتبط به ایجاد انسجام در ادبیات پژوهشی کمک می‌کنند. در این زمینه مرور نظام‌مند می‌تواند نتایج مختلف را در یک چارچوب نظری قرار دهد و به پژوهشگران کمک کند تا بفهمند چگونه تحقیقات مختلف با یکدیگر مرتبط هستند. در اینجا برخی از مفاهیم مرتبط با حکمرانی خوب و مهم‌ترین نظریات موجود در این حوزه را مرور خواهیم کرد.

مفاهیم «حکمرانی» و «حکمرانی خوب»

«حکمرانی» در زمانه کنونی هواداران پرشماری را به خود جذب کرده است اما بحث‌های فکری صورت گرفته در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در جلب نگاه نظریه‌پردازان و سیاست‌گذاران به ابعاد این موضوع بسیار اهمیت دارد. اساساً از زمانی که این اصطلاح در محافل توسعه گسترده گردید و در فرهنگ واژگان سیاست عمومی بین‌المللی برجسته شد؛ بسیاری از دانشگاهیان و متخصصان بین‌المللی «حکمرانی» را به کار می‌گیرند تا مجموعه پیچیده‌ای از ساختارها و فرآیندها را، چه عمومی و چه خصوصی، به کار ببرند، درحالی‌که نویسندگان عامه تمایل دارند آن را مترادف با «دولت» به کار ببرند. حکمرانی برای گروه دوم به ویژگی‌هایی اشاره دارد که عموماً با سیستم مدیریت ملی مرتبط است. با توجه به این تعاریف به نظر می‌رسد جایگاه مفهوم‌پردازی برای حکمرانی خوب نه در بین مردان سیاست، بلکه در

محیط‌های دانشگاهی بوده است. همان‌گونه که مورتن بوآس معتقد است قبل از طرح مباحث در سطح جهانی، حکمرانی به‌طور کلی در گفتمان دانشگاهی به کار گرفته می‌شد؛ برای مثال، به‌طور گسترده در رابطه با ادبیات تجاری در مورد رفتار شرکت‌ها مورد بحث قرار می‌گرفت (*Boas, 1998: 120*).

حکمرانی از سوی برخی نهادهای بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته و هر کدام از آن‌ها با توجه به مؤلفه‌های مختص به خود تعاریفی از این مفهوم ارائه داده‌اند. کافمن و کرای در طرح پژوهشی خود برای بانک جهانی حکمرانی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: سنت‌ها و نهادهایی که توسط آن‌ها اقتدار در یک کشور اعمال می‌شود. این شامل فرآیندی است که طی آن دولت‌ها انتخاب، نظارت و جایگزین می‌شوند. ظرفیت دولت برای تدوین و اجرای مؤثر سیاست‌های صحیح؛ و احترام شهروندان و دولت به نهادهای حاکم بر تعاملات اقتصادی و اجتماعی بین آن‌ها» (*World Bank, 2007*). در تعریفی دیگر سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (*OECD*) حکمرانی را به معنای اعمال اختیارات سیاسی، اقتصادی و اداری لازم برای اداره امور یک ملت تعریف می‌کند (*OECD, 2006*). این تعریف گسترده نقش مقامات دولتی را در ایجاد محیطی که فعالان اقتصادی در آن فعالیت می‌کنند و در تعیین توزیع منافع و همچنین ماهیت رابطه بین حکمران و حکومت‌پذیر را در برمی‌گیرد. در حالی‌که بسیاری از تعاریف موجود از حکمرانی طیف وسیعی از مسائل را پوشش می‌دهند، نباید نتیجه گرفت که به‌طور کلی فقدان اجماع تعریفی در این زمینه وجود دارد. اکثر تعاریف حکمرانی بر «اهمیت یک دولت توانمند که تحت حاکمیت قانون عمل می‌کند» اتفاق نظر دارند. جالب توجه است که با مقایسه سه تعریف آخر ارائه شده در بالا، یک تفاوت اساسی مربوط به درجه تأکید صریح بر نقش پاسخگویی دموکراتیک دولت‌ها در برابر شهروندان است و حتی این تعاریف محدود به اندازه کافی گسترده هستند که دامنه وسیعی از معیارهای تجربی در ابعاد مختلف حکمرانی وجود دارد.

دیدگاه‌های مرتبط با حکمرانی که هر کدام تعاریفی را به دست داده‌اند رفته‌رفته حکمرانی را در شکل مطلوب آن بسط دادند که به رونق اندیشه‌هایی در باب مفهوم حکمرانی خوب انجامید. برای این مفهوم نیز همانند حکمرانی، تعاریفی نزد اندیشمندان و نهادهای ذیربط وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره خواهیم کرد: همانند مفهوم حکمرانی، حکمرانی خوب نیز در چارچوب اسناد بانک جهانی مورد توجه قرار گرفته است و تعریفی نیز برای آن ارائه شده که ویژگی‌های مهمی را در برمی‌گیرد: جامعیت و پاسخ‌گویی تحقق‌یافته در سه بخش مهم: انتخابات، پاسخگویی و جابه‌جایی حاکمان، کارآمدی نهادها، مقررات، مدیریت

منابع و احترام به قوانین، نهادها و تعاملات میان کنشگران در جامعه مدنی، تجارت و سیاست. در تعریفی دیگری سازمان برنامه توسعه ملل متحد (*UNDP*) در گزارشی با عنوان «آیا حکمرانی خوب پیش‌درآمد لازم برای صلح است؟» حکمرانی خوب را با توجه به مؤلفه‌های اساسی آن این‌گونه تعریف می‌کند: سیستم‌های حاکم که توانا، پاسخگو، فراگیر و شفاف باشند (*UNDP, 2021*). صندوق بین‌المللی پول (*IMF*)، نیز به‌عنوان دیگر نهاد بین‌المللی، با در نظر گرفتن برخی مبانی اساسی حکمرانی خوب را در دو حوزه اصلی تعریف می‌کند: الف) مدیریت منابع عمومی از طریق اصلاحاتی که نهادهای بخش دولتی را پوشش می‌دهد؛ ب) توسعه و حفظ یک محیط اقتصادی و نظارتی شفاف و باثبات که برای فعالیت‌های بخش خصوصی مساعد است (*IMF, 2022*).

مبانی نظری پژوهش

نظریه‌های مبیّن «نقش دولت»

هر چند مناقشه بر سر حضور حداکثری یا حداقلی دولت‌ها در عرصه عمومی سالیان زیادی است که در محافل سیاسی و مدنی در جریان است؛ اما با اطمینان زیادی می‌توان گفت عمده‌ترین دیدگاه‌هایی که از نقش‌آفرینی دولت‌ها در مسیر توسعه کشورها دفاع کرده‌اند، تجربیات موفق کشورهای شرق آسیا در رسیدن به اهداف توسعه‌ای را در دستور کار قرار داده‌اند. گزارش سال ۱۹۹۳ بانک جهانی به‌عنوان «معجزه شرق آسیا» این سؤال را مطرح می‌کرد که توسعه اقتصادی این کشورها چگونه تسریع شده است و جمع‌بندی حاصله این بود که دولت‌های شرق آسیا فراتر از دولت‌های حداقل بوده‌اند (*World Bank, 1993*). به یک بیان دیگر این مدل‌های توسعه‌ای آسیایی نقطه پایانی بر استفاده از اصطلاح «جهان سوم» و نظام فکری که بر مبنای آن ایجاد شده بود، گذاشتند. با ظهور این مدل‌های آسیایی تناقض دیگری پدید آمد که نشان می‌داد مدل‌های توسعه‌ای آسیای شرقی، بر اساس توسعه بازارمحور مطلق‌العنان نبوده، بلکه برعکس، مدل‌هایی با محوریت دولت توسعه‌گرا[1] هستند (*Pieterse, 2021: 61*). دولت‌های مستقر در جوامع مزبور توانستند با هم‌افزایی میان بخش‌های مختلف تعداد زیادی از فعالیت‌های توسعه‌ای را پیاده‌سازی کنند.

نگاه به عملکرد دولت‌های شرق آسیا در مسیر دستیابی به سطح معینی از توسعه (عمدتاً اقتصادی) و جایگاه ویژه دولت‌های مستقر در این مسیر به شکل‌گیری مجموعه

[1] developmental state

نظریاتی موجب شد که از آن با عنوان «دولت‌های توسعه‌گرا» یاد می‌شود. در این معنا دولتِ کارگزار توسعه از طریق ابزارهای خود امر توسعه را محقق می‌کند. این ابزارها علی‌رغم وجود اشتراکات فراوان در میان کشورها، بر حسب نوع نگرش نخبگان فرهنگ سیاسی حاکم بر کشور و جریان رویدادهای پیش آمده در مرحله قبل از ظهور دولت توسعه‌گرا، برای هر کشور تا حدودی متفاوت است (*Attar, 2011: 127*). به‌طورکلی دولت در صورتی توسعه‌گرا خواهد بود که:

۱- رشد اقتصادی را هدف اصلی خود بداند.

۲- با برنامه‌ریزی بخش غیر رقابتی اقتصاد و با اتخاذ سیاست‌های استراتژیک صنعتی، به‌طور متوسط در بازار مداخله می‌کند.

۳- با محدود کردن کسری بودجه و حساب جاری و با ساماندهی پنج مؤلفه اقتصاد کلان، به‌ویژه نرخ ارز، یک سیاست اقتصادی کلان و فعال را اجرا می‌کند.

۴- نظر سیاسی توسط یک ائتلاف طبقاتی توسعه‌گرای متشکل از کارآفرینان، کارگران، بوروکرات‌های عمومی و بخش‌هایی از طبقه مسلط پیشین، که قدرت سیاسی را در دست دارد و استراتژی توسعه ملی را پذیرفته است، حمایت می‌شود؛ در نتیجه در مقابل ائتلاف محافظه‌کار یا لیبرال تشکیل شده است (*Bresser-Pereira, 2019: 38*).

بر این اساس می‌توان گفت ویژگی‌های دولت‌های توسعه‌گرا از بسیاری جهات می‌تواند زمینه‌ساز و یا پیامد حکمرانی خوب باشد؛ به‌ویژه آنکه دولت‌های توسعه‌گرا ـ همان‌گونه که در ادامه خواهد آمد ـ در معنای واقعی‌شان دارای سطوح بالایی از شفافیت، عدالت‌ورزی و مسئولیت‌پذیری هستند. بحث در مورد دولت توسعه‌گرا بیش از همه در نظریات چالمرز جانسون و پیتر ایوانز به چشم می‌خورد که در اینجا نگاهی مختصر به اندیشه‌های این دو خواهیم داشت.

Chalmers Johnson (1999) ادعا می‌کند که «یکی از اهداف اصلی‌اش در معرفی ایده «دولت توسعه‌گرای سرمایه‌داری[1]» فراتر رفتن از تضاد بین اقتصاد آمریکا و شوروی بود» (*Johnson, 1999:32*)؛ بنابراین می‌توان گفت ریشه‌های آن از نظریه مرکانتیلیسم گرفته شده است که حامی مداخله دولت در اقتصاد است. از نظر تاریخی، دولت توسعه‌گرا در پروس بیسمارک و در ژاپن در دوران میجی وجود داشته است. دولت‌های حاکم بر آن‌ها مسیر توسعه‌ای طراحی شده دولتی را دنبال می‌کردند و تاکنون از مداخله‌گرایی دولتی بر بازار آزاد لیبرال، چه به شکل توسعه‌دهنده سریع آسیای شرقی و چه در قالب مدلی که بعدها به مدل

[1] capitalist developmental state

اروپای قاره‌ای دولت رفاه سرمایه‌داری تبدیل شد، طرفداری کرده‌اند (*Bolesta, 2007: 106*). جانسون نیز متأثر از همین روند به مفهوم‌پردازی در مورد دولت توسعه‌گرا می‌پردازد. وی به عنصر مهم دولت توسعه‌یافته از منظر اقتصاد خرد، یعنی همکاری بین تجارت خصوصی و دولت یا به‌عبارت دیگر، بخش خصوصی و بخش دولتی اشاره می‌کند. کسب و کار خصوصی به شریکی برای دولت در تلاش‌های توسعه‌ای تبدیل می‌شود. بنابراین، این تجارت خصوصی است که بخش مهمی از دولت توسعه‌گرا است. از این‌رو، همان‌طور که نمونه‌های تاریخی ثابت می‌کنند، یک دولت توسعه‌ای ماهیت سرمایه‌داری دارد.

جانسون در نظریه‌پردازی خود نقش مؤلفه‌های سیاست‌ورزی مطلوب در یک کشور را بیش از همه برجسته می‌کند. وی با استناد به مفهوم مشروعیت و قدرت، بر تفاوت‌های مهم بین دولت‌های استبدادی سنتی و دولت‌های توسعه‌یافته از نوع دموکراسی مستبد یا محدود تأکید می‌کند. اگر چه این امر شاید چندان دقیق به نظر نرسد؛ با این حال، استدلال در مورد مشروعیت قانع‌کننده می‌نماید. او تأکید می‌کند که «منبع اقتدار در دولت توسعه‌یافته، یکی از «سه‌گانه‌ها»ی وبر از منابع سنتی، عقلانی ـ قانونی و کاریزماتیک اقتدار نیست، بلکه اقتدار انقلابی[1] است. اقتدار مردمی که متعهد به دگرگونی نظم اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی هستند. مشروعیت از دستاوردهای دولت حاصل می‌شود، نه از طریقی که به قدرت رسیده است.» (*Johnson, 1993: 53*). «در دولت واقعی توسعه، حاکمان بوروکراتیک دارای نوع خاصی از مشروعیت هستند که به آن‌ها اجازه می‌دهد بسیار آزمایش‌گرتر و غیرآموزشی‌تر از رژیم استبدادی معمولی باشند» (*Ibid:52*). ارجاع به تجربیات موفق کشورهای شرق آسیا نیز در نظریه جانسون به چشم می‌خورد. جانسون پیشنهاد می‌کند که در آسیای شرقی، توسعه اقتصادی که هدف آن از طریق وارد کردن نظریه دولت توسعه‌گرا به سیاست‌های جریان اصلی است، باید با امپریالیسم غربی مبارزه کند و بقای ملی را تضمین کند. می‌توان این فرض را مطرح کرد که از منظر تاریخی، این مفهوم دولت توسعه‌گرای آسیایی بود که غالب شد، درحالی‌که مدل اروپایی سرمایه‌داری اولیه با دولت سرمایه‌داری مداخله‌گر سوسیال دموکراتیک حاضر در بخش‌هایی از اروپای قاره‌ای مانند فرانسه و آلمان یا در کشورهای اسکاندیناوی جایگزین شد.

Peter Evans (2015) در مقایسه با جانسون بحث‌های جدی‌تری را دنبال کرده است. دیدگاه ایوانز نقش دولت‌ها را در سامان‌دهی پروژه‌های توسعه و ایجاد هماهنگی در برنامه‌ها مهم‌تر از ایوانز تلقی می‌کند. ایوانز نقش دولت ملی را در مسیر توسعه بسیار بااهمیت می‌داند

[1] revolutionary authority

و بر این باور است که راه خروج از گردونه وابستگی، گزینه‌ها و عملکردی است که دولت در حوزه فعالیت‌های اقتصادی انتخاب می‌کند. در جهان معاصر کناره‌جویی و مداخله‌ی دولت راه‌های جانشین هم نیستند. به‌عبارت دیگر دخالت دولت، مفروض است و مسئله‌ای که باید به آن پرداخت نوع این مداخله است، نه میزان آن (*Anbari, 2015: 214*). ایوانز حضور دولت‌ها را ضامن عملکرد مطلوب نهادهای سیاسی و اقتصادی در مسیر تحولات و اقداماتی می‌داند که توسعه همه‌جانبه را در دستور کار قرار داده است. ایوانز با اتخاذ رویکرد وبری معتقد است که دولت نقش اساسی در توسعه جوامع در حال گذار دارد. اگر دولت‌ها بتوانند دیوان‌سالاری خود را به شرط کارآمدی و توانایی گسترش دهند (نه اینکه کاهش دهند)، می‌توانند با برخی شروط فرایند توسعه را طی نمایند. اگر دولت‌ها دیوان‌سالاری منسجمی داشته باشند و این دیوان‌سالاری دولتی به‌جای اینکه تصدی‌گری اقتصاد را به عهده بگیرد، فقط قابله و پرورش‌گر کارآفرینان بخش خصوصی باشد، توسعه روی خواهد داد. همچنان که در برخی کشورهای شرق آسیا رخ داده است (*Afshar & et al., 2015:31*). از این نظر دولت در شکل توسعه‌گرای آن برخی از مهم‌ترین لوازم را برای نیل به حکمرانی خوب در اختیار دارد. این دولت‌ها در سیاست‌گذاری‌های خود حمایت حداکثری از نهادهای سیاسی و جامعه‌ی مدنی را سرلوحه خود قرار داده‌اند.

دولت‌های توسعه‌گرا تمام تلاش خود را در راستای جلب حمایت توده مردم به کار می‌گیرند. رجوع به مردم در پروژه‌های توسعه و بهره‌گیری از ظرفیت‌های محلی و منطقه‌ای از جمله مؤلفه‌های اصلی دولت‌های توسعه‌گرا در دیدگاه ایوانز است. وجود دیوان‌سالاری اقتصادی توانمند و منسجم یکی از ویژگی‌های ساختاری و کلیدی دولت توسعه‌گرا و خودگردان است. حفظ تعادل بین خودگردانی و اتکا به جامعه کلید موفقیت دولت در تقویت تحولات اقتصادی است. در کشورهای شرق آسیا، پروژه‌های مشترک این دولت‌ها بر پایه پیوند با نخبگان صنعتی شکل گرفت و آمیزه خودگردانی و اتکا بر جامعه بدون مشکل شکل گرفت (*Anbari, 2015: 214*). حفظ رابطه دوسویه با جامعه برخلاف دیدگاه‌هایی که تنها بر مدیریت‌گرایی و آزادی عمل حداکثری دولت تأکید دارند نتایج بسیار مطلوبی را برای دولت‌های توسعه‌گرا به همراه داشته است.

ایوانز در بحث از دولت‌های توسعه‌گرا، این شکل از دولت را در مقابل «دولت‌های یغماگر» قرار می‌دهد. از نگاه وی در دولت‌های یغماگر روابط شخصی تنها منبع همبستگی است و به حداکثر رساندن منافع فردی بر پیگیری اهداف جمعی اولویت دارد (*Evans, 2011: 97*). در مقابل آن در دولت‌های توسعه‌گرا ویژگی‌هایی مانند شایسته‌سالاری قوی و

پاداش‌های شغلی درازمدت، وجود حسِ مسئولیت و حس همبستگی سازمانی و [از همه مهم‌تر] خودگردانی و اتکا بر جامعه برجستگی ویژه‌ای دارد. کره، ژاپن و تایوان نمونه‌ای از این دولت‌ها هستند (*Evans, 2011:46-144*). این ویژگی‌ها مبین آن است که دولت‌های توسعه‌گرا از ظرفیت‌های فوق‌العاده‌ای برای دستیابی به حکمرانی خوب برخوردارند؛ موقعیت فعلی کشورهای شرق آسیا نیز به لحاظ سیاسی نشان از آن دارد که توسعه‌گرایی در شکل ملی آن تا چه میزان به حاکمیت این کشورها ثبات بخشیده است.

نظریه‌های مبیّن «ظرفیت دولت»

توجه به ظرفیت و توان دولت‌ها نیز می‌تواند از بسیاری جهات برای تثبیت یا دستیابی به حکمرانی خوب تعیین‌کننده باشد. توانایی دولت‌ها در دستیابی به اهداف ملی و بین‌المللی در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی بیش از همه در «ظرفیت دولت[1]» نمود پیدا می‌کند؛ در عین حال عدم ظرفیت کافی برای دولت مشکل‌ساز خواهد بود و بر سر راه سیاست‌گذاری‌ها و اجرای آن‌ها موانعی را ایجاد خواهد کرد. مفهوم ظرفیت دولت ناشی از علاقه به درک نقش دولت در توسعه است، هدفی که در دستور کار جامعه‌شناسی سیاسی نیمه دوم قرن بیستم قرار گرفته است. قبل از آن، دولت به‌عنوان یک موضوع اولیه مورد مطالعه در معرض فراموشی قرار داشت. به گفته *Jessop (2001)* ارتباط دولت در دو موجِ دانش جامعه‌شناسی سیاسی احیا شد: در دهه شصت، از طریق تئوری‌های نومارکسیستی در مورد دولت سرمایه‌داری، و در اواخر دهه هفتاد و هشتاد از طریق جنبش نهادی «دولت‌گرا». در این آثار، بحث در مورد تشکیل دولت و خودمختاری دولت به‌عنوان گسترش مفهوم‌سازی سیستماتیک‌تر از ظرفیت دولت عمل می‌کند.

نظریه‌پردازان سرشناسی همچون *Theda Skocpol* نقش و اهمیت دولت و ظرفیت آن را در عرصه توسعه مهم قلمداد کرده‌اند. او دریکی از آثار برجسته اولیه درباره دولت از کتاب کلاسیک دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی به تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای از فرانسه، روسیه و چین، در ارتباط بین خودمختاری دولت و توسعه می‌پردازد. وی با ارزیابی مقایسه‌ای و تاریخی تعاملات بین دستگاه دولتی و نخبگان حاکم و بین خود بازیگران بوروکراتیک، چگونگی نقش دولت در وقوع انقلاب‌ها در سه کشور را تحلیل می‌کند. ماهیت این تعاملات قدرت خودمختار دولت را تعیین می‌کند (*Skocpol, 1979: 78*). اگر چه اسکاچپل بر ظرفیت اداری برای

[1] state capacity

اجرای سیاست‌های مرکزی تمرکز می‌کند، اما ابعاد دیگری مانند ظرفیت اجباری[1] و استخراجی[2] را نیز تصدیق می‌کند: «بدیهی است که یکپارچگی مطلق حاکمیتی و کنترل اداری ـ نظامی باثبات یک قلمرو معین، پیش‌شرط توانایی هر کشوری است تا سیاست‌ها را اجرا کنند. فراتر از این، مقامات وفادار و ماهر و منابع مالی فراوان، اساس کارآمدی دولت در دستیابی به انواع اهداف هستند» (*Skocpol, 1979: 16*). بنابراین کار اسکاچپل نشان می‌دهد که ساختارهای دولتی بر ماهیت انقلاب‌ها تأثیر می‌گذارند و این‌ها به نوبه خود فرآیندهای تاریخی شکل‌گیری دولت را صورت‌بندی می‌کنند: «دولت‌های تقویت‌شده، متمرکزتر، بوروکراتیک‌تر و قدرتمندتر از هر سه انقلاب بیرون آمده‌اند» (*Ibid: 285*). کار او در مطالعه انقلاب‌ها پیشگام محسوب می‌شود، زیرا از دیدگاهی هدفمند می‌گریزد و به عوامل ساختاری عمیقاً ریشه‌دار می‌نگرد. در کنار این‌ها دیدگاه مشابهی در بازگرداندن دولت توسط اسکاچپل ارائه شده است. این مجموعه مقالات به‌طور کامل حول هدف نشان دادن مکانیسم‌هایی است که توسط آن قدرت خودمختار دولت عمل‌کننده است. در مقدمه آن اسکاچپل ظرفیت دولت را این‌گونه تعریف می‌کند: که آیا یک دولت قادر به اجرای اهداف رسمی است، به‌ویژه در مورد مخالفت‌های بالفعل یا بالقوه گروه‌های اجتماعی قدرتمند یا در مواجهه با شرایط نابسامان اجتماعی ـ اقتصادی (*Skocpol, 1985:9*). بر این اساس ظرفیت دولت در نگاه اسکاچپل بیش از همه در توانایی‌های آن برای مدیریت شرایط و بهبود فعالیت‌ها در سطح ملی متبلور می‌شود.

نظریه‌پردازان دیگر به نیز به‌طور مدون بحث‌هایی را پیرامون ظرفیت دولت ارائه کرده‌اند. به‌طور خاص، *Joel S. Migdal* رویکردی رابطه‌ای را در مورد مکانیسم‌های اجرای قدرت ارائه می‌کند که به‌وسیله آن مبادلات تعاملی و متقابلاً تقویت‌کننده بین دولت و جامعه، فرآیندهای تاریخی ظرفیت‌سازی دولت را شکل می‌دهند. کتاب‌های میگدال (۱۹۸۸)، دولت‌های قوی[3]، جوامع ضعیف[4] از نظر چگونگی پیکربندی ظرفیت‌های دولت در کشورهای در حال توسعه، تبیین‌گر است. برخلاف دیدگاه دولت‌گرا، دیدگاه «جامعه‌محور» میگدال، توسعه دستگاه دولتی را بر اساس نوع ساختارهای اجتماعی تعیین می‌کند که به دنبال تنظیم آن است. او معتقد است که دیدگاه دولت‌محور در کشورهای در حال توسعه آموزنده نیست، زیرا موضوع اصلی استقلال و قدرت دولت را نمی‌توان پیش‌فرض گرفت. میگدال ظرفیت دولت را این‌گونه

[1] coercive capacity
[2] extractive capacity
[3] strong state
[4] weak state

تعریف می‌کند: «توانایی رهبران دولت برای استفاده از نمایندگی‌های دولت برای وادار ساختن افراد جامعه به انجام کاری که می‌خواهند انجام دهند» (*Migdal, 1988: 5*)، یا در غیر این صورت برای دستیابی به انواع تغییرات در جامعه‌ای که رهبران آن‌ها از طریق برنامه‌ریزی، سیاست‌ها و اقدامات دولتی به دنبال آن بودند. در این زمینه، دیدگاه او ظرفیت‌های استخراج منابع، تنظیم روابط اجتماعی و نفوذ به قلمرو را در اولویت قرار می‌دهد. او به گونه‌شناسی دوگانه دولت‌های ضعیف و قوی متوسل می‌شود، اولی توانایی‌های بالایی برای تکمیل این وظایف دارد، اما دومی قادر به انجام آن‌ها نیست. سؤال اصلی در این کتاب این است که چرا برخی کشورها توانستند قوانین رفتاری مؤثری را برای جوامع وضع کنند، در حالی‌که برخی دیگر شکست خوردند. از نظر روش‌شناسی، این کار رویکردی کیفی مقایسه‌ای دارد تا کشورهای مصر، هند، اسرائیل، مکزیک و سیرالئون را از طریق طرح‌های تحقیقاتی متفاوت مورد بررسی قرار دهد (*Cingolani, 2013:9*). او دریافت که کلید تبیین ظرفیت‌های دولت، توزیع کنترل اجتماعی در میان بسیاری از سازمان‌ها، ازجمله دولت است.

علاوه بر دو نظریه‌پرداز فوق، بحث از ظرفیت دولت در اندیشه *Michael Mann (1993)* نیز برجستگی ویژه‌ای دارد. مایکل مان در اثر معروف خود با عنوان منابع قدرت اجتماعی[1] مفاهیم بدیعی را در زمینه ظرفیت‌های دولت معرفی می‌کند. او روابط قدرت را بر حسب شبکه‌های نفوذ متعدد و متقاطع مطالعه می‌کند که نشان‌دهنده ابزارهای سازمانی برای دستیابی به اهداف انسانی است. مان چهار منبع به اصطلاح قدرت اجتماعی را تعریف می‌کند: ایدئولوژیک، اقتصادی، نظامی و سیاسی. از بین این‌ها دومین قدرت، یعنی قدرت اقتصادی قلمرو دولت است. او به نوبه خود مدعی است که دولت‌ها دو نوع قدرت دارند: استبدادی و زیرساختی. قدرت استبدادی، قدرت دولت برای تحمیل احکام بر جامعه است، یا «محدوده‌ای از اقداماتی است که نخبگان دولتی می‌توانند بدون مذاکره معمول با گروه‌های جامعه مدنی انجام دهند» (*Mann, 1986: 59*). در حالی‌که قدرت زیرساختی به «ظرفیت نهادی» اشاره دارد. یک دولت مرکزی، مستبد یا غیر مستبد، برای نفوذ به قلمروهای آن و اجرای لجستیکی تصمیمات» (*Ibid:60*). با توجه به بحث‌مان می‌توان گفت تمایز ارائه شده توسط او بحث‌های جدیدی را ایجاد کرد، زیرا تا آن زمان قدرت استبدادی رایج‌ترین تفسیر از قدرت دولتی بود.

علاوه بر نظریات فوق، دیدگاه‌های جدید در باب حکمرانی و جایگاه دولت در جهان معاصر نیز خودنمایی می‌کند که بیش از هر چیز متأثر از رویکردهای پساساختارگرایی و گفتمان‌گرایی هستند. در این میان تئوری‌های استدلالی حکمرانی بر نیروهای سازنده و

[1] the sources of social power

شرایط تکوینی برای ظهور و عملکرد رژیم‌های حکومتی خاص تمرکز دارند. رویکردهای استدلالی نسبت به حکمرانی بر زبان به‌عنوان یکی از ویژگی‌های کلیدی هر فرآیند خط مشی و بنابراین به‌عنوان یک مؤلفه کلیدی ضروری حکمرانی و تحلیل خط مشی تأکید دارند. تحلیل خط مشی استدلالی، معرفت‌شناسی پساپوزیتیویستی را با نظریه و روش‌شناسی اجتماعی پیوند می‌زند و رویکردهای نظری مانند تحلیل گفتمان، رویکردهای پساساختارگرایی، تحلیل چارچوب، و تحلیل سیاست تفسیری را در بر می‌گیرد. اگر چه این رویکردهای مختلف به سختی مترادف هستند، اما با این وجود توجه ویژه‌ای را که به استدلال و زبان و فرآیند استفاده، بسیج، و سنجش استدلال‌ها و نشانه‌ها در تفسیر و عملکرد سیاست‌گذاری و حکمرانی می‌دهند، مشترک هستند (*Fischer, 2003: 52*). جهت‌گیری انتقادی از درک این است که نهادهای حاکمیتی به سادگی توسط سیاست‌گذاران یا شهروندانی که از آنها استفاده می‌کنند پدیدار نمی‌شوند؛ بلکه خود نهادها از طریق توصیف یا استفاده از آن‌ها تشکیل می‌شوند. در چارچوب این سنت فکری نظریه‌های حکومت‌مندی[1] (*Dean, 1999: 103*) و نظریه گفتمان انتقادی (*Foucault, 1991; Fairclough 1992*) نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند و نشان داده‌اند که هویت حکومت از استدلال، گفتمان و ساخت سیاسی جدایی‌ناپذیر است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با هدف مرور و بررسی مهم‌ترین یافته‌های مندرج در مطالعات داخلی مرتبط با موضوع حکمرانی خوب/حکمروایی خوب صورت گرفته است. به‌منظور دستیابی به هدف مذکور از تکنیک مرور نظام‌مند[2]، به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین راه‌های بررسی تجمیعی مقالات و پژوهش‌های پیشین استفاده شده است. این روش بهترین نوع شناخته شده انواع مرورهاست. این نوع از مرور به دنبال جست‌وجویی نظام‌مند برای ارزیابی و تلفیق پژوهش‌هاست. بر این اساس انجام این مرور مستلزم رعایت ضوابط و اصول راهنمای استاندارد و تعریف شده است (*Abbasi & Sirajzadeh, 2016:136*). مرور نظام‌مند که به‌عنوان «تلفیق پژوهشی[3]» نیز شناخته می‌شود که با هدف ارائه یک ترکیب جامع و بی‌طرفانه از بسیاری از مطالعات مرتبط در قالب یک سند واحد صورت می‌گیرد. با این وجود که دارای

[1] governmentality
[2] systematic review
[3] research synthesis

بسیاری از ویژگی‌های مرور ادبیات[1] است، اما از این‌جهت متفاوت است که با رعایت اصل کلی خلاصه کردن دانش از میان مجموعه ادبیات، می‌کوشد تمام شواهد مربوط به یک سؤال را کشف و بر روی آن تمرکز کند (*Aromataris & Pearson, 2014: 66*). بنابراین مرورهای سیستماتیک معمولاً با تلفیق برخی از مطالعات موجود و ارزیابی کیفیت این شواهد به سؤالات تحقیق پاسخ می‌دهد. تلفیق به معنای گردهم آوردن اطلاعات مختلف برای بیان یک روایت واحد و منسجم است که می‌تواند کیفی، کمی یا هردوی آن‌ها باشد.

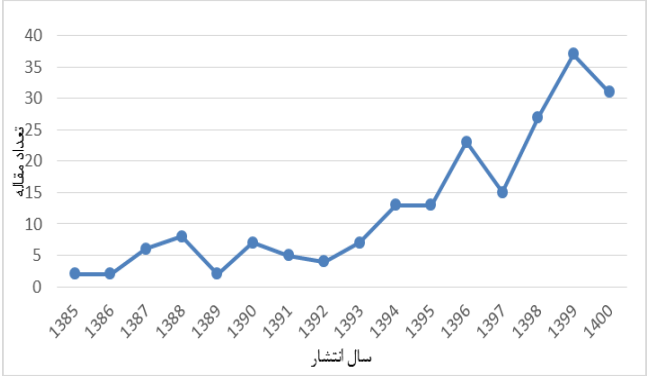
به منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های ابتدایی و همچنین دستیابی به هدف پژوهش مقالات منتخب با بهره‌گیری از معیارهای دقیق از زوایای گوناگون مورد واکاوی قرار خواهند گرفت. بدین منظور از روش پیشنهادی *Kripenndorff* که مشتمل بر ۶ مرحله جداگانه است در راستای تجزیه و تحلیل محتوای مقالات استفاده شده است: ۱- طراحی و تعیین زمینه کار: در اینجا به تعیین موضوع محوری پژوهش پرداخته و سؤال تحقیق باید به روشنی بیان شود تا هدف مرور مشخص گردد؛ ۲- جست‌وجوی آثار و منابع: استفاده از منابع مختلف برای جستجوی مطالعات مرتبط، شامل پایگاه‌های داده علمی، مقالات خاکستری و منابع غیر رسمی؛ ۳- واحدبندی و استخراج داده‌ها (مضامین، پیام‌های مهم، واژگان و ...): فرآیند استخراج داده‌ها باید سیستماتیک و استاندارد باشد تا اطلاعات به‌دست آمده قابل اعتماد باشند؛ ۴- نمونه‌گیری از داده‌ها (نکات مهم متن): در این زمینه انتخاب مطالعات باید به‌صورت مستقل توسط دو یا چند پژوهشگر انجام شود تا احتمال سوگیری کاهش یابد؛ ۵- کاهش داده‌ها و تنزل آن‌ها به چندگونه/ طبقه. همچنین استفاده از روش‌های مناسب برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از جمله فراتحلیل در صورت امکان؛ ۶- استنتاج و تفسیر داده‌ها: در اینجا ارائه نتایج باید به‌صورت شفاف و قابل فهم، شامل جزئیات کافی درباره روش‌ها و یافته‌ها باشد (*Zakersalehi & Qanirad, 2014: 38-42*). بدین منظور تمام محتوای مقالات از جنبه‌های مختلف نظری، روشی و یافته‌های مندرج در آن‌ها بررسی خواهد شد.

جامعه آماری در این پژوهش کلیه مطالعات صورت گرفته به زبان فارسی با محوریت «حکمرانی خوب/حکمروایی خوب» بوده است که در یک بازه زمانی پانزده ساله؛ از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۴۰۰ و در قالب مقاله علمی ـ پژوهشی منتشر شده‌اند. پس از تعیین اهداف مطالعه، جستجو در میان پایگاه‌های معتبر برای دریافت مقالات مرتبط آغاز شد. در این مرحله کلیدواژگانی از قبیل حکمرانی، حکمرانی خوب، حکمروایی، حکمروایی خوب در پایگاه‌های نمایه فارسی مورد جستجو قرار گرفت تا عناوین برگزیده مقالات مشخص شوند. در

[1] litreture review

این مرحله محدودیتی در بازه زمانی وجود نداشت. پس از بررسی روند انتشار مقالات، مبدأ زمانی سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۴۰۰ به‌عنوان مبنای شروع قرار گرفت تا مقالات منتشرشده در این بازه زمانی انتخاب گردند. پس از انجام این مرحله، با درنظرگرفتن معیارهای علمی ـ پژوهشی بودن، متن کامل و حذف موارد تکراری تعداد ۳۰ مقاله از میان بیش از ۱۵۰ مقاله منتشر شده در معتبرترین پایگاه‌های اینترنتی علمی داخل کشور (از قبیل پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، پورتال جامع علوم انسانی، مگیران، پایگاه تخصصی مجلات نور و ...) و همچنین پایگاه اینترنتی گوگل اسکالر به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب گردید. به منظور استخراج محتوای مقالات، مواردی همچون نام نویسنده (نویسندگان)، سال انتشار، روش‌شناسی به‌کار رفته، ابزار پژوهش، میدان مطالعه و یافته‌ها مورد توجه قرار گرفت.

دلیل انتخاب نقطه شروع بررسی مقالات از سال ۱۳۸۵ روند رو به رشدی است که مقالات مرتبط با حکمرانی/حکمروایی خوب به خود گرفتند؛ به‌گونه‌ای که تا پیش از این تعداد انگشت‌شماری از مطالعات با محوریت این موضوعات به چشم می‌خورد. بنابراین از این مبدا زمانی شاهد افزایش علایق محققان رشته‌های گوناگون به تحلیل این موضوع هستیم. روند انتشار مقالات مرتبط در قالب نمودار ۱ آمده است.



نمودار ۱: روند انتشار مقالات فارسی با موضوع حکمرانی/حکمروایی خوب طی ۱۵ سال اخیر

Chart 1: *The Trend of Publishing Persian Articles on Governance/Good Governance During the Last 15 Years*

مطابق با داده‌های نمودار فوق می‌توان گفت روند انتشار مقالات پیرامون حکمرانی/حکمروایی خوب تا سال ۱۳۹۱ چندان افزایشی نداشته و تعداد آن نیز اندک بوده

است، اما از ابتدای سال ۱۳۹۲ روند صعودی به خود گرفته و محققان بیشتری در پژوهش‌های خود به این موضوع پرداخته‌اند.

در مرور نظام‌مند تعیین اعتبار[1] و پایایی[2] برای یافته‌های تحقیق نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر همین اساس ارزیابی مرورهای نظام‌مند به شناسایی منابع بالقوه سوگیری یا محدودیت در فرآیند بررسی کمک می‌کند و می‌تواند به هدایت تحقیقات آینده در این زمینه کمک کند (*Page & et. al., 2021: 32*). به منظور بررسی اعتبار یافته‌ها از نظرات داوران صاحب‌نظر در موضوع حکمرانی خوب و روش‌شناسی تحقیق استفاده شد. نحوه اعتباربخشی به این صورت مورد تأیید قرار گرفت که دو تن از داوران مجموعه کاربرگ‌های مستخرج از مطالعات را با متن مطالعات مطابقت دادند تا بدین‌وسیله مشخص کنند آیا موارد مندرج در کاربرگ‌های استخراج‌شده، از توان بازنمایی متن برخوردار هستند یا خیر. علاوه بر این، کاربرگ‌ها در کنارهم قرار گرفت تا انسجام مطالب آن‌ها مورد ارزیابی و تأیید قرار بگیرد.

همچنین به منظور ارزیابی پایایی نتایج از استراتژی «برنامه مهارت‌های ارزیابی انتقادی[3]» (*CASP*)، به‌عنوان یکی از پرکاربردترین روش‌ها در تعیین قابلیت اعتماد مرورهای نظام‌مند استفاده شد. این استراتژی ابزاری است که به‌طور گسترده در بریتانیا توسعه یافته است، روشی ساختاریافته برای ارزیابی طرح‌های مطالعاتی مختلف، با پرسش‌ها و استانداردهای خاص برای سنجش دقت روش‌شناختی ارائه می‌کند (*Shaheen & et. al., 2023*). بر این اساس پرسش‌های زیر طرح و در خلال تحقیق مورد توجه قرار گرفت:

۱) آیا بررسی به یک سؤال کاملاً متمرکز پرداخته است؟
۲) آیا نویسندگان مقالات مناسب را جستجو کردند؟
۳) آیا همه مطالعات مهم و مرتبط با موضوع حکمرانی خوب گنجانده شده است؟
۴) آیا ترکیب یافته‌های بررسی قابل قبول بوده است؟
۵) یافته‌های کلی بررسی چیست؟
۶) یافته‌ها چقدر دقیق هستند؟

به منظور آشنایی با مواد تحقیق، خلاصه‌ای از مشخصات مقالات منتخب در قالب جدول ۱ ارائه می‌شود.

---

[1] validity
[2] reliability
[3] critical appraisal skills programme

جدول ۱: مشخصات اجمالی از مقالات مورد بررسی

Table 1: Overview of the Reviewed Articles

ردیف	عنوان مقاله	نام نویسنده (نویسندگان)	سال انتشار
Row	*Title of the Article*	*Name of Author(s)*	*Year of Publication*
۱	حکمرانی خوب، مفهومی نو در مدیریت دولتی	مهدی صانعی	۱۳۸۵
۲	سرمایه اجتماعی و حکمرانی شهری	غضنفر اکبری	۱۳۸۵
۳	تأثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ایران	مهدی رضائی	۱۳۸۶
۴	تحلیلی بر کیفیت حکمرانی خوب در ایران	سید مهدی الوانی و محسن علی‌زاده ثانی	۱۳۸۶
۵	تأثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد متوسط	محمدحسین مهدوی عادلی؛ محمدحسین حسین‌زاده بحرینی و افسانه جوادی	۱۳۸۷
۶	تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب	سروش دباغ و ندا نفری	۱۳۸۸
۷	اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب	خلیل‌الله سردارنیا	۱۳۸۸
۸	کاربست حکمرانی خوب برای ملت‌سازی در پرتو مطالعات میان‌رشته‌ای	علی‌اصغر پورعزت و غزاله طاهری عصار	۱۳۸۹
۹	سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب: تحلیل تطبیقی فازی بین‌کشوری از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸	علی ساعی؛ افشار کبیری؛ محمدسالار کسرایی و حسین صادقی	۱۳۹۰
۱۰	تحلیل تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی: مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا (*ASEAN*)	مرتضی سامتی؛ همایون رنجبر و فضیلت محسنی	۱۳۹۰
۱۱	تبیین سطح فساد: بررسی تطبیقی اثر کیفیت حاکمیت و حکمرانی خوب	محمد فاضلی و محدثه جلیلی‌کناری	۱۳۹۱
۱۲	شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های حکمرانی خوب	عبدالرضا بیگی‌نیا؛ سعید صفری؛ علی مرشدی‌زاد و عبدالمجید پولادرگ	۱۳۹۱
۱۳	بررسی اثر حکمرانی خوب و اندازه دولت بر توسعه مالی در کشورهای منتخب	بهرام سحابی؛ منصور اعتصامی؛ خالد امین‌پور	۱۳۹۲
۱۴	علل شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران و	فریده محمدعلی‌پور و سید	۱۳۹۲

ردیف	عنوان مقاله	نام نویسنده (نویسندگان)	سال انتشار
Row	*Title of the Article*	*Name of Author(s)*	*Year of Publication*
	نظریه حکمرانی خوب: مطالعه موردی حکومت پهلوی دوم در سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷	رضا رحیمی عماد	
۱۵	تبیین حکمرانی خوب در نهج‌البلاغه با رویکرد روشی زمینه‌گرا	خلیل‌الله سردارنیا و حمید شاکری	۱۳۹۳
۱۶	تحلیل شناختی اجتماعی پیام‌های تبلیغاتی انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری ایران با توجه به مدل حکمرانی خوب	ایمان‌الله بیگدلی؛ پرویز صباحی و سعید اعظمی	۱۳۹۳
۱۷	ارائه الگویی جهت ارزیابی حکمرانی خوب شهری (شهرداری منطقه ۱۰ تهران)	نازنین پیله‌وری	۱۳۹۴
۱۸	طراحی مدل حکمرانی خوب بر اساس نامه مالک اشتر و مقایسه آن با اصول حکمرانی خوب بانک جهانی	محمدرضا یوسفی شیخ رباط و فهیمه بابایی	۱۳۹۴
۱۹	طراحی و ساماندهی مؤلفه‌های اندازه‌گیری عملکرد مدیریت شهری با تأکید بر حکمرانی خوب و ارزیابی متوازن	سعید صفری؛ عبدالرضا بیگی‌نیا؛ مهدی سمیع‌زاده و سیدجمال ذاکری‌فرد	۱۳۹۵
۲۰	بررسی تطبیقی رابطه رانتیریسم و الگوی حکمرانی خوب: مطالعه شش کشور ایران، کویت، آذربایجان، اندونزی، مالزی و ترکیه	سید وحید میره‌بیگی	۱۳۹۵
۲۱	تأثیر اندازه دولت بر حکمرانی خوب و عملکرد اقتصادی در کشورهای منتخب	یوسف محمدزاده؛ صمد حکمتی فرید و المیرا شریفی	۱۳۹۶
۲۲	تأثیر حکمرانی خوب بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی	مهدی مرادی و علی سلمان‌پور	۱۳۹۶
۲۳	نقش حکمرانی خوب در تأثیرگذاری مخارج دولت در بهداشت	وحید کفیلی و مهسا قاسم‌زاده	۱۳۹۷

ردیف	عنوان مقاله	نام نویسنده (نویسندگان)	سال انتشار
Row	*Title of the Article*	*Name of Author(s)*	*Year of Publication*
۲۴	آینده‌پژوهی حکمرانی خوب در ایران: با رویکرد سناریونویسی	منا آهنی؛ مرتضی موسی‌خانی و محمدعلی افشار کاظمی	۱۳۹۷
۲۵	حکمرانی خوب در دولت‌های محلی: تمرکززدایی	سید هادی زرقانی و ابراهیم احمدی	۱۳۹۸
۲۶	ارائه مدل حکمرانی خوب الکترونیک در وزارت ورزش و جوانان	نادر رستم‌زاده؛ مصطفی افشاری؛ زهرا و سعید قربانی	۱۳۹۸
۲۷	رابطه حکمرانی خوب با توسعه شهر خلاق فرهنگی	مهنوش خزایی؛ محسن عامری شهرابی و فرامرز ملکیان	۱۳۹۹
۲۸	ارزیابی حکمرانی خوب شهری برای شهرهای ایران؛ مطالعه موردی: شهر اهواز	حیدر کاظمی و بیژن رحمانی	۱۳۹۹
۲۹	تبیین تئوریک جایگاه جامعه مدنی در الگوی حکمرانی خوب	سید رحیم ابوالحسنی و خسرو قبادی	۱۴۰۰
۳۰	تدوین استراتژی‌هایی برای دیوان محاسبات کشور در راستای تحقق شاخص‌های حکمرانی خوب	صمد شفیعی مقدم؛ ارسلان قربانی شیخ‌نشین؛ روح‌اله فروزش و سید خدایار مرتضوی اصل	۱۴۰۰

یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش واکاوی محتوای کامل مقالات را شامل خواهد شد که به‌عبارت بهتر تلاشی است برای پاسخگویی به سه سؤال اصلی که برای پژوهش حاضر در نظر گرفته شده است.

الف) سنخ‌شناسی پژوهش‌ها

سنخ‌شناسی مقالات عمدتاً با تمرکز بر «روش‌شناسی» مورد استفاده نویسندگان مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخش روش‌شناسی مقالات اهمیت زیادی دارد. این بخش در مقالات

پژوهشی، نقشه راهی است که خوانندگان را در یک سفر واقعی که نویسنده برای رسیدن به مقصد طی کرده، هدایت و راهنمایی می‌کند. بخش روش‌شناسی حاوی جزئیات ضروری است که پژوهشگران دیگر بتوانند آزمایش‌های این پژوهش را تکرار کرده و به خوانندگان کمک کنند که مطالعه را بهتر درک نمایند و همچنین نتایج آن را در نمونه‌های دیگر نیز مورد آزمون قرار دهند. مهم‌ترین روش‌های به کار گرفته‌شده در مقالات مرتبط با حکمرانی خوب در دو دسته کلی کمی و کیفی و زیر مجموعه‌های هر یک از آن‌ها طبقه‌بندی شده‌اند. مطابق با یافته‌های پژوهش بیشترین تعداد مقالات در موضوع حکمرانی و حکمروایی خوب با روش‌های گوناگون کمی صورت پذیرفته است. روش‌های کیفی و ترکیبی نیز تا حدودی مورد علاقه محققان علاقه‌مند بوده است.

جدول ۲: سنخ‌شناسی مقالات مرتبط با حکمرانی خوب با تمرکز بر بخش روش‌شناسی

Table 2: *Bibliography of Articles Related to Good Governance with a Focus on Methodology*

روش مورد استفاده	فراوانی	درصد
The Method Used	*Frequency*	*Percentage*
کمی (پیمایش، تحلیل ثانویه، داده‌های تابلویی و ...)	۱۴	۴۶/۶۷
کیفی (نظریه زمینه‌ای، تاریخی تطبیقی، اسنادی و ...)	۱۱	۳۶/۶۷
ترکیبی	۵	۱۶/۶۶
جمع کل	۳۰	۱۰۰

ب) حوزه‌های تخصصی

دقت نظر در تخصص هر محقق در انجام یک پژوهش می‌تواند تا حد زیادی نمایانگر رویکردی باشد که آن محقق در تدوین اثر خود بدان تکیه کرده است. در ارتباط با موضوع حکمرانی خوب می‌توان تنوع زیادی از تخصص‌ها را در میان نویسندگان مقالات مشاهده کرد. این نکته تا حد زیادی گویای این واقعیت است که علیرغم گذشت زمان اندک از توجه به این مفهوم در میان اندیشمندان و محققان داخلی، نگاه بسیاری از علاقه‌مندان در رشته‌های مختلف علوم انسانی بدان جلب شده است. همان‌گونه که نتایج جدول زیر نشان می‌دهد پژوهشگران متخصص در رشته‌های اقتصاد و مدیریت بیش از سایرین به تحلیل و بررسی مفهوم حکمرانی خوب علاقه‌مند بوده‌اند. همچنین نتایج واکاوی مقالات نشان داد که این موضوع در میان پژوهشگران متخصص در رشته‌های کمتر مرتبط مانند روان‌شناسی و فلسفه نیز دارای طرفدارانی است.

جدول ۳: وضعیت مقالات بر حسب حوزه‌های تخصصی

Table 3: *Status of Articles According to Specialized Fields*

نام حوزه تخصصی	فراوانی	درصد
The Name of the Specialized Field	*Frequency*	*Percentage*
جامعه‌شناسی	۴	۱۳/۳۳
اقتصاد	۹	۳۰
علوم سیاسی	۵	۱۶/۶۷
مدیریت	۸	۲۶/۶۷
جغرافیا	۲	۶/۶۷
روان‌شناسی	۱	۳/۳۳
فلسفه	۱	۳/۳۳
جمع کل	۳۰	۱۰۰

ج) شناسایی سطوح تحلیل

سطح تحلیل ارتباط تنگاتنگی با واژه واحدِ تحلیل دارد و برخی از محققان آن‌ها را به جای یکدیگر به‌کار برده‌اند، در حالی که برخی دیگر بر لزوم تمایز استدلال می‌کنند. نوری یوردوسف می‌نویسد که: سطحِ تحلیل بیشتر موضوعی است که به چارچوب/ زمینه تحلیل و سطحی که فرد تحلیل خود را در آن انجام می‌دهد مربوط می‌شود، درحالی‌که در بحث از واحد تحلیل اولویت با «بازیگر» است (*Yurdusev, 1993: 79*). ادبیات حکمرانی خوب در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که ارزیابی و تحلیل این مفهوم هیچ‌گاه بر یک سطح واحد متمرکز نبوده است؛ از این جهت تلاش برای فهم علایق محققان ذی‌ربط در ارتباط با سطوح یا واحد تحلیل می‌تواند درک از حکمرانی خوب را تعمیق ببخشد. با توجه توزیع مقالات سه سطح تحلیل جداگانه (منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی) برای آن‌ها در نظر گرفته شده است که اطلاعات آن در قالب جدول ۴ آمده است.

مطابق با نتایج تعیین سطح تحلیل مطالعات، حکمرانی خوب به‌عنوان یک موضوع محوری در دهه اخیر، بیش از پیش جهت‌گیری «ملی» داشته است. محققان در بررسی و تحلیل این موضوع تمرکز بیشتری بر شرایط کلی جامعه و ساختارهای کلان داخلی نشان داده‌اند. با این حال دو سطح دیگر از تحلیل ـ منطقه‌ای و بین‌المللی ـ نیز در میان آثار انتشار یافته در این یک دهه جایگاه ویژه‌ای دارد. در مجموع می‌توان گفت برخلاف تصور رایج، مکانیسم تأثیرات و پیامدهای حکمرانی خوب در سال‌های اخیر به هیچ وجه در یک سطح

واحد متمرکز نبوده و نخواهد بود، چرا که علایق پژوهشگران نیز با بسط جایگاه و اهمیت این مفهوم، تحولات محسوسی را تجربه کرده است.

جدول ۴: سطوح تحلیل مطالعات حکمرانی خوب

***Table 4**: Levels of Analysis of Good Governance Studies*

سطح تحلیل	فراوانی	درصد
Level of *Analysis*	*Frequency*	*Percentage*
منطقه‌ای	۷	۲۳/۳۳
ملی	۱۳	۴۳/۳۴
بین‌المللی	۱۰	۳۳/۳۳
جمع کل	۳۰	۱۰۰

د) شاخص‌ها، ابزارها و معیارهای مورد استفاده

توجه به ابزارهای گوناگونی که محققان به منظور تحلیل و ارزیابی حکمرانی خوب در مطالعات خود به‌کار برده‌اند از بسیاری جهات می‌تواند مفید فایده باشد؛ از جمله اینکه تمرکز و نوع رویکرد به این موضوع را در ادبیات پژوهشی داخل کشور به خوبی نمایان می‌سازد. بدین منظور برای سهولت در شناسایی مهم‌ترین شاخص‌ها و معیارهای مورد استفاده در مطالعاتی که با محوریت حکمرانی خوب به انجام رسیده‌اند، دو بخش متفاوت بر اساس متغیرهای مستقل (عوامل اثرگذار) و متغیر وابسته (حکمرانی خوب) در نظر گرفته شده تا بتوان شاخص‌ها را از یکدیگر تفکیک کرد. واکاوی مطالعات نشان می‌دهد که محققان داخل کشور بیش از ۲۰ شاخص گوناگون را در قالب عوامل مختلف در ارتباط با حکمرانی خوب مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند. شاخص‌ها و ابزارهای مورد استفاده اغلب با بهره‌گیری از منابع و مراجع معتبر تدوین شده است که آن را باید از جمله نقاط قوت مطالعات حکمرانی خوب در یک دهه اخیر دانست؛ همچنین دقت در محتوای شاخص‌ها نشان می‌دهد که حکمرانی خوب به‌عنوان یک متغیر، از جنبه‌های متنوع و در عین حال نوآورانه‌ای مطالعه شده است. نمونه آن وجود دو مطالعه معتبر با مضامین محوری مذهبِ تشیع همچون ولایت‌مداری و عدلِ علوی است؛ همچنین در مواردی حکمرانی خوب به‌عنوان یک متغیر وابسته و یا به صورت یک مفهوم واحد مورد سنجش و تحلیل قرار گرفته، از شاخص‌ها و معیارهای گوناگونی استفاده شده است. در اینجا نیز همچون عوامل اثرگذار، تکیه محققان داخلی بر استفاده از پایگاه‌های علمی و منابع پژوهشی معتبر همچون گزارش بانک جهانی و گزارش‌های سازمان ملل متحد

بوده است. با این حال در مواردی نیز پژوهشگران مبادرت به تدوین پرسش‌نامه‌های محقق ساخته کرده‌اند که مرور این ابزارها حاکی از آن است که مضامین رایج در ادبیات حکمرانی خوب در آن‌ها به چشم می‌خورد. خلاصه‌ای از شاخص‌ها و معیارهای شناسایی شده در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵: برخی از مهم‌ترین شاخص‌ها و معیارهای سنجش حکمرانی خوب

Table 5: *Some of the Most Important Indicators and Criteria for Measuring Good Governance*

ناظر به عوامل اثرگذار	ناظر به حکمرانی خوب
Looking at the Influencing Factors	*Looking at the Good Governance*
• ابعاد سرمایه اجتماعی: ۱- اعتماد اجتماعی (عضویت در انجمن و نهادهای مردمی)، ۲- مشارکت اجتماعی (میزان اعتماد به سازمان‌ها) • پیمایش ارزش‌های جهانی اینگلهارت (موج چهارم و پنجم) • شاخص توسعه انسانی (*HDI*) از گزارش توسعه انسانی ملل متحد (*UNDP*) • شاخص فساد برتلسمن • شاخص تورم از بانک اطلاعاتی ریسک بین‌المللی (*ICRG*) • جمعیت مذهبی جامعه (با استفاده از بانک اطلاعاتی مؤسسه *QOG*) • توسعه بخش مالی (بدهی نقدی+کارایی بخش مالی) • اندازه دولت (نسبت هزینه‌های مصرفی کل دولت به *GDP*) • نرخ تورم (توسط شاخص ضمنی قیمت) • تحت نظارت قرار داشتن حکومت، اتخاذ سیاست‌های صحیح توسط دولت، احترام مردم و دولت به قوانین، تنظیم مناسب قوانین، ایجاد ثبات در جامعه و	• گزارش بانک جهانی (حق اظهارنظر، پاسخگویی، ثبات سیاسی، کارایی و اثربخشی، حاکمیت قانون) • پرسشنامه محقق ساخته (شامل تقویت جامعه مدنی، اصلاح امور قضایی، اصلاحات اداری، مدیریت منضبط مالی) • بانک اطلاعاتی پروژه جهانی شاخص‌های حکمرانی (*WGI*) • شاخص کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد (*UNESCAP*) • پرسشنامه محقق ساخته (قانون‌مداری، اعتدال سیاسی ـ اجتماعی، مبارزه با فساد) • حکمرانی خوب شهری (شامل مؤلفه‌های پایداری، کارایی، برابری، مشارکت، پاسخگویی و حسابرسی، امنیت، تمرکززدایی) • لگاریتم شاخص حکمرانی خوب (میانگین ۶ شاخص ارائه‌شده توسط *WGI*) • پرسشنامه استاندارد حکمرانی خوب *OPM* و *CIPFA*

ناظر به عوامل اثرگذار	ناظر به حکمرانی خوب
Looking at the Influencing Factors	*Looking at the Good Governance*
مبارزه با فساد: همگی برگرفته از عهدنامه مالک اشتر • شاخص نسبت رانت به *GDP* (بانک جهانی) • نرخ اشتغال (درصد جمعیت شاغل بلای ۱۵سال از کل جمعیت) • ضریب جینی (بهره‌گیری ازسری‌های زمانی بانک مرکزی و داده‌های نابرابری جهانی *WIID*) • سطح سلامت (امید به زندگی در بدو تولد+ نرخ مرگ و میر کودکان زیر پنج سال) • شهر خلاق فرهنگی (شامل مؤلفه‌های توسعه مشارکت فرهنگی، تقویت تکثرگرایی فرهنگی، خلق ایده‌های جدید، رشد توریسم، رشد و توسعه اقتصادی و ...)	

ه) سیاست‌ها، راهکارهای اجرایی، توصیه‌ها و پیشنهادهای محققان

اغلب پژوهش‌های اجتماعی پس از تبیین موضوعات و مسائل مورد نظر، برخی از سیاست‌ها و راهکارهای پیشنهادی را ارائه می‌دهند تا بتوانند دستاورد(های) خود از پژوهش را به منزله یک یا چندین راه‌حل عملی و تجربی به سیاست‌گذاران و محققان علاقه‌مند عرضه کنند. مقوله حکمرانی خوب نیز از آنجایی‌که در هر دو رکن جامعه و دولت را شامل می‌شود، واجد سیاست‌ها و راهکارهای بسیار متنوعی خواهد بود. علاوه بر این پژوهشگران در تدوین راهکارها برخی از پیشنهادها پژوهشی را نیز ارائه می‌کنند که محققان علاقه‌مند به این موضوع را در طراحی و اجرای پژوهش‌های آتی با محوریت حکمرانی خوب یاری می‌کند. بر همین اساس مقالات منتخب از حیث ارائه پیشنهادها، راهکارها و سیاست‌های اجرایی مور واکاوی قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۶ آمده است.

بر طبق روال رایج در تألیف مقالات، سیاست‌ها، راهکارها و پیشنهادها مندرج در مطالعات مرتبط با حکمرانی خوب در سه دسته کلی دولت‌محور، جامعه‌محور و پیشنهادها

پژوهشی تقسیم‌بندی شد. مرور مطالعات نشان می‌دهد در بحث از سیاست‌ها و راهکارهای اجرایی، تمایل بیشتری به ارائه توصیه‌های دولت‌محور وجود دارد. به‌عبارت دیگر پژوهشگران نقش دولت مستقر را در بهبود وضعیت حکمرانی خوب اثربخش‌تر قلمداد کرده‌اند. از دیگر نکات قابل توجه در سیاست‌های اجرایی، توجه ویژه به بعد شهری از حکمرانی خوب و تلاش برای ارتقای آن است که چندین مطالعه را از بین مقالات منتخب به خود اختصاص داده بود. در رابطه با پیشنهادها پژوهشی نیز اگر چه مواردی به چشم می‌خورد اما به نسبت تعداد مقالات انتظار می‌رفت که پیشنهادهای بیشتری را در مقالات ببینیم. لازم به ذکر است از میان مقالات منتخب تعداد ۱۵ مقاله فاقد راهکار اجرایی و یا پیشنهاد پژوهشیِ روشن بوده‌اند که رقم قابل‌توجهی است.

جدول ۶: برخی از مهم‌ترین سیاست، راهکارهای اجرایی و پیشنهادها مرتبط با حکمرانی خوب

Table 6: *Some of the Most Important Policies, Implementation Solutions and Suggestions Related to Good Governance*

سیاست‌ها و راهکارهای اجرایی *Policies and Executive Solutions*		پیشنهادهای پژوهشی
دولت‌محور	جامعه‌محور	
State-centered	*Community Oriented*	*Research Proposals*
• تأکید بر استقلال دستگاه قضایی در راستای پاسخگویی بیشتر حکومت و کاهش فساد • تقویت جامعه مدنی از طریق تقویت احزاب و آزادی نشریات و مطبوعات • اصلاح ساختار اداری از طریق تمرکززدایی، نهادینه کردن نظام شایسته‌سالاری در استخدام‌ها و روان‌سازی و ساده‌سازی رویه‌ها • اهتمام در عمل به حکمرانی خوب به‌عنوان زمینه حفظ مشروعیت سیاسی • توجه به کاربست	• ایجاد توازن قدرت میان دولت و جامعه مدنی از طریق تقویت سرمایه اجتماعی • واگذاری نقش‌های فعال و تأثیرگذار به بانوان در راستای دستیابی به حکمرانی خوب شهری • وجود سامانه‌های ارتباطی برای سهولت ارتباط با مدیران بالادستی • ایجاد سامانه‌ی هوشمند پاسخگویی به شکایات شهروندان درزمینه‌ی مسائل شهری • کاهش خشونت و درگیری‌های جناحی و قومی در راستای افزایش توزیع درآمد	• بهره‌گیری از دیدگاه‌های خبرگان سیاسی برای دستیابی به روش‌های جامع‌تر و بین نخبگان و خبرگان علمی به‌منظور طراحی شاخص‌ها • ارائه‌ی گزارش‌های فعالیت سالانه به عموم شهروندان • وزن‌دهی و رتبه‌بندی شاخص‌ها به منظور ارزیابی عملکرد سازمان‌ها با رویکرد ارزیابی متوازن • صورت‌بندی یک مدل ارزیابی عملکرد استراتژیک سازمانی بر اساس شاخص‌های حکمرانی خوب • بررسی عوامل اثرگذار بر موفقیت حکمرانی خوب در

سیاست‌ها و راهکارهای اجرایی *Policies and Executive Solutions*		پیشنهادهای پژوهشی
دولت‌محور	جامعه‌محور	
State-centered	*Community Oriented*	*Research Proposals*
اصول حکمرانی خوب در اظهارنظرهای سیاسی به‌منظور جلب آرای اکثریت • رعایت اولویت‌های اقتصادی و زیست‌محیطی در پروژه‌های برنامه‌ریزی‌شده به‌منظور رسیدن به حکمرانی خوب شهری • دستیابی به کارایی از طریق پایبندی به برنامه توسعه شهرداری‌ها و حرکت در مسیر اهداف چشم‌انداز • بهره‌گیری از مؤلفه‌های حکمرانی خوب به‌منظور ارزیابی عملکرد سازمانی شهرداری‌ها و مدیریت شهری • تلاش برای کاهش دخالت دولت در نهادهای اقتصادی به‌منظور ارتقای شاخص حکمرانی خوب • گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات • اعطای مجوزهای فعالیت به تشکیلات اجتماعی و رسانه‌های گروهی به‌منظور افزایش شفافیت و پاسخگویی • استفاده بهینه از منابع در راستای دستیابی به کاهش نابرابری درآمد • توزیع مناسب درآمد از طریق افزایش درآمد صادراتی	• تأکید برافزایش اختیارات و قلمرو فعالیت گروه‌های منطقه‌ای برای دستیابی به حکمرانی خوب منطقه‌ای • ارتقاء مدیریت شهری با نگاه به استعدادها، خواسته‌ها، انگیزه‌ها و مشارکت گروه‌های مختلف • بهره‌گیری از پتانسیل مظاهر فرهنگ محلی همانند موسیقی محلی، غذاها، البسه و بازی‌های محلی برای رسیدن به حکمرانی محلی • توسعه مشارکت شهروندان در مدیریت و گذر از مرحله مردم‌سالاری مبتنی بر نمایندگی به مردم‌سالاری مبتنی بر مشارکت • تقویت جامعه مدنی به‌منظور نقش‌آفرینی مؤثر در عرصه تصمیم‌گیری‌های شهرداری و شورای شهر و بازخواست از آن‌ها در مواقع دور شدن از رفتارهای مبتنی بر اصول حکمرانی خوب شهری • بهبود توانایی‌ها و تغیر نگرش و ذهنیت کارکنان برای حرکت به سمت بهره‌گیری مؤثر از اصول حکمرانی خوب شهری در عملکردشان • اتخاذ نگرش سیستمی	سازمان‌ها • تحلیل جایگاه حکمرانی خوب در فرایند مدیریت راهبردی سازمان • تحلیل آثار حکمرانی خوب بر بهبود عملکرد مدیریت راهبردی منابع انسانی • بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر رضایت شهروندان از عملکرد مدیریت خوب شهری • جستجوی تمهیدات و خط‌مشی‌های لازم برای بهبود شرایط مبتنی بر سند چشم‌انداز • تحلیل تطبیقی اثرگذاری مخارج شخصی و دولت در بهبود سطح سلامت در کشورهای توسعه‌یافته و درحالی‌که توسعه • محاسبه حد نهایی دولت در دستیابی به سطح مطلوبی از شاخص‌های حکمرانی خوب برای کشورهای درحال توسعه و توسعه‌نیافته • انجام مطالعاتی درباره سطح آگاهی کارکنان شهرداری از حکمرانی خوب شهری • عوامل کاهنده و برانگیزاننده علاقه کارکنان شهرداری و شورای اسلامی شهر به استفاده از ارزش‌های حکمرانی خوب

پیشنهادهای پژوهشی	سیاست‌ها و راهکارهای اجرایی *Policies and Executive Solutions*	
	جامعه‌محور	دولت‌محور
Research Proposals	*Community Oriented*	*State-centered*
	به‌منظور ایجاد تعامل بهتر با محیط داخلی و خارجی در راستای اجرایی کردن حکمرانی خوب • تلاش برای بازسازی ظرفیت دولت و ملت از طریق رشته‌های مختلف	کالا و خدمات • گنجاندن الزاماتی جدید برای هدایت شهرداری و شورای اسلامی شهر به گسترش استفاده از اصول حکمرانی خوب در امور اجرایی • واگذاری بخش اعظم سهام بنگاه‌های دولتی برای پاسخگویی به عدم‌تعادل‌های اقتصادی

و) پراکندگی تمرکز بر مؤلفه‌های حکمرانی خوب

مؤلفه‌های حکمرانی خوب به دلیل توانایی در سنجش کیفیت و اثربخشی ساختارهای حکمرانی در هر کشور، نقش محوری در مطالعات مرتبط دارند. آن‌ها برای درک رابطه بین حکمرانی، رشد فراگیر و اثربخشی قوانین، سیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات در زمینه‌های مختلف بسیار مهم هستند؛ از این جهت پالایش مؤلفه‌های حکمرانی خوب در میان مطالعات اهمیت فراوانی پیدا می‌کند. در اینجا مبنای واکاوی مقالات از حیث تمرکز بر مؤلفه‌های حکمرانی خوب، همان ویژگی‌هایی است که در برنامه توسعه سازمان ملل و بانک جهانی مطرح شده است. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: ۱- مشارکت، ۲- حاکمیت قانون، ۳- شفافیت، ۴- مسئولیت‌پذیری، ۵- اجماع‌سازی، ۶- عدالت و انصاف، ۷- کارایی و اثربخشی و ۸- پاسخگویی (*Shah, 2006: 68*).

هر یک از مطالعات مرتبط از حیث محتوا و مضمون بر روی یکی از مؤلفه‌ها (و بعضاً بیش از یک مؤلفه) از حکمرانی خوب تمرکز داشته‌اند. با توجه به نتایج جدول ۷ می‌توان گفت مؤلفه «کارایی و اثربخشی» بیشترین توجه را در میان مطالعات به خود جلب کرده است. در تحقق یک دولت خوب کارآمدی و اثربخشی یکی از اصولی است که نقش بسزایی دارد. با بهینه‌سازی اصول کارایی و اثربخشی در مجموعه حاکمیت به‌گونه‌ای که طبق انتظار انجام شود، مسئولان دولتی می‌توانند برنامه‌های راهبردی را تدوین کنند که به‌طور منطقی و قابل اندازه‌گیری بر اساس نیازهای واقعی جامعه تهیه شود؛ زیرا برنامه‌ریزی راهبردی می‌تواند بر

سطح اثربخشی و کارآمدی دولت در هر وظیفه و عملکرد یاری رساند(*Muchtar & et. al, 2023: 19*).

پس از کارایی و اثربخشی، دو مفهوم « عدالت و انصاف» و «مشارکت» نیز از دیگر مؤلفه‌های حکمرانی خوب هستند که توجه محققان را در تعدادی از مطالعات مرتبط به خود جلب کرده‌اند. عدالت از جمله مفاهیمی است که می‌تواند به سیاست‌ورزی در همه جوامع رنگ و بوی اخلاق و انسانی ببخشد. از این نظر برخی در باب اهمیت توجه به عدالت در مفهوم‌پردازی حکمرانی خوب معتقدند: هر گاه یک نظم سیاسی به بهترین وجه حاکمیت عدالت را رعایت و ابلاغ کند، [داعیه‌دار] حکمرانی خوب است، که هم به‌عنوان ناظر بر خودش و هم به‌عنوان یک اقدام عدالت‌خواهانه، زمینه رقابت نیروهای مدنی در میدان سیاست را فراهم می‌کند (*Lambropoulos, 1997:69*). در کنار عدالت، مشارکت نیز از جمله اصولی است که حکمرانی خوب را نسبت به سایر شیوه‌های اداره جامعه متمایز می‌سازد.

اهمیت این مؤلفه تا آنجاست که امروزه از حکمرانی مشارکتی[1] نام برده می‌شود. حکمرانی مشارکتی یک سیستم حکومتی است که شهروندان را هم در رأی دادن و هم در بحث در مورد مسائل مربوط به مدیریت [دولت] مشارکت می‌دهد (*Holmes, 2011: 26؛ Wampler, 2012: 39*). مشارکت در حکمرانی بستری را برای یک دولت فراگیر با دموکراسی تقویت شده فراهم می‌کند.

این رویه به مردم در مورد مسائلی که زندگی روزمره آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد فرصت نقش‌آفرینی می‌بخشد. دقت در سایر یافته‌ها نیز نشان می‌دهد که مؤلفه‌های «پاسخگویی» و «مسئولیت‌پذیری» از محبوبیت کمتری در میان محققان برخوردار بوده‌اند که یک دلیل آن می‌تواند همبستگی تحقیقات با شرایط سیاسی ـ اجتماعی کشور باشد؛ چرا که طی سال‌های اخیر خلأ مؤلفه‌های دیگری که ذکر آن رفت در سیاست‌گذاری‌های مختلف حاکمیت بیشتر احساس می‌شد.

[1] participatory governance

جدول ۷: پراکندگی تمرکز بر مؤلفه‌های حکمرانی خوب در میان مطالعات مرتبط

Table 7: *Distribution of Focus on Good Governance Components Among Related Studies*

مؤلفه	فراوانی	درصد
Component	*Frequency*	*Percentage*
پاسخگویی	۱	۳/۳۳
شفافیت	۳	۱۰
اجماع سازی	۳	۱۰
مسئولیت‌پذیری	۱	۳/۳۳
عدالت و انصاف	۵	۱۶/۶۷
کارایی و اثربخشی	۷	۲۳/۳۳
حاکمیت قانون	۳	۱۰
مشارکت	۵	۱۶/۶۷
تمرکز بر بیش از یک مؤلفه	۲	۶/۶۷
جمع کل	۳۰	۱۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

شناخت هر چه بیشتر قلمرو مطالعات صورت گرفته در حوزه‌های گوناگون معرفت به‌طور کلی و جامعه‌شناسی به‌طور خاص، بیش از پیش در سایه فهم عمیق از ادبیات تجربی و نظری موجود حاصل می‌شود. ارزیابی تلاش‌های محققان در قالب یک اثر همه‌جانبه نه‌تنها زمینه درک بهتر از یک موضوع را فراهم می‌آورد؛ بلکه می‌تواند برخی از مهم‌ترین گره‌های ذهنی و یا چالش‌های نظری و میدانی موجود بر سر راه انجام یک پژوهش مطلوب را آشکار سازد. حکمرانی و حکمروایی خوب نیز به واسطه اهمیت روزافزون و بسط شعاع اثرگذاری، از آن دست موضوعاتی که طی چند دهه اخیر بسیاری از مطالعات تجربی و نظری را در میان محققان علوم انسانی به خود اختصاص داده است. پژوهش حاضر نیز با در نظر داشتن این امر، به‌عنوان نخستین مطالعه صورت گرفته با روش مرور نظام‌مند و با هدف شناخت دقیق‌تر از فضای مفهومی و تجربی حکمرانی خوب در میان تعدادی از آثار منتخب صورت گرفته است.

حکمرانی خوب به‌عنوان یک مسئله پژوهشی، در دو دهه گذشته از جمله موضوعات پربسامد در میان آثار محققان علاقه‌مند در حوزه‌های علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، مدیریت، اقتصاد و ... بوده است؛ بر همین مبنا پس از جستجو و شناسایی مطالعات معتبر از طریق

پایگاه‌های علمی شناخته شده در کشور؛ از میان بیش از ۱۵۰ مقاله انتشاریافته با محوریت حکمرانی خوب در پانزده سال اخیر (۱۴۰۰-۱۳۸۵) تعداد ۳۰ مقاله به‌عنوان نمونه پژوهش برگزیده شد. پس از انتخاب مقالات، با بهره‌گیری از تکنیک مرور نظام‌مند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین طرق ارزیابی و تحلیل مطالعات مکتوب، سؤالات طراحی شده در راستای دستیابی به هدف پژوهش به‌صورت مجزا پاسخ داده شد. پاسخ به این سؤالات از طریق واکاوی محتوا و استخراج داده‌های مورد نیاز از دل آن‌ها صورت گرفته است.

یافته‌های پژوهش از حیث دقت نظر در حیطه‌های تخصصی نویسندگان آثار حاکی از آن بود که اغلب محققان علاقه‌مند به بررسی و تحلیل حکمرانی خوب متعلق به رشته‌های اقتصاد و مدیریت بوده‌اند و دیگر حوزه‌های مرتبط مانند جامعه‌شناسی و علوم سیاسی سهم کمتری را به خود اختصاص داده‌اند. واکاوی روش‌شناختی مقالات نیز نشانگر تسلط رویکردهای پوزیتیوستی بر آثار محققان است، چرا که یافته‌های تحقیق حکایت از آن داشت که اکثر پژوهش‌ها با روش‌ها و تکنیک‌های کمی به انجام رسیده‌اند. این یافته با دیدگاه‌های جدید در خصوص حکمرانی خوب مانند رویکردهای پساپوزتیویستی از برخی جهات همسویی دارد، چرا که علیرغم چرخش روش‌شناختی در مطالعات اجتماعی، مطالعات حکمرانی خوب هنوز از ورود به مباحث پساساختارگرایی و مجال بخشیدن به تحلیل مؤلفه‌هایی مانند زبان و فرهنگ بازمانده‌اند. معرفت‌شناسی پساپوزیتیویستی نظریه و روش‌شناسی اجتماعی را پیوند می‌زند و رویکردهای نظری مانند تحلیل گفتمان، رویکردهای پساساختارگرایی، تحلیل چارچوب، و تحلیل سیاست تفسیری را در بر می‌گیرد. اگر چه این رویکردهای مختلف به سختی مترادف هستند، اما با این وجود توجه ویژه‌ای را که به استدلال و زبان و فرآیند استفاده، بسیج، و سنجش استدلال‌ها و نشانه‌ها در تفسیر و عملکرد سیاست‌گذاری و حکمرانی می دهند، مشترک هستند (*Fischer, 2003:52*). با این حال عدم طرح این دیدگاه‌ها در فضای تحقیقات مرتبط با سیاست‌پژوهی و دولت‌پژوهی سال‌هاست که در مرکز توجه قرا گرفته است.

همچنین بررسی مقالات منتخب از حیث سطوح تحلیل نشان داد که اغلب پژوهشگران مایل به تحلیل و توصیف حکمرانی خوب در سطح ملی داشته‌اند. به بیان دیگر مسأله‌مندی حکمرانی خوب در نزد محققان بیش از پیش در سطح ملی اهمیت خود را نشان داده است؛ در حالی که سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی در اولویت‌های بعدی قرار داشته‌اند. در ارتباط با این یافته، دقت در فواصل زمانی انتشار مقالات حاکی از آن بود که اوایل دهه ۹۰ گرایش شدیدی

به تحلیل حکمرانی خوب در سطح بین‌المللی وجود داشت و اغلب مطالعات انجام‌شده در طی آن سال‌ها به مقایسه جایگاه و وضعیت کشورهای مختلف دنیا در شاخص‌های حکمرانی اختصاص داشت. اما از اواسط دهه ۹۰ به این‌سو، رفته‌رفته جهت‌گیری محققان به سمت پژوهش‌های ملی و کشوری افزایش فراوانی یافت. به نظر می‌رسد با گسترش مطالعات صورت گرفته و اهمیت یافتن حکمرانی خوب در سیاست‌گذاری‌های جهانی به تدریج این موضوع در خلال ادبیات سیاسی و عملکردهای سیاست‌مداران و همچنین قواعد موجود در اسناد بالادستی به یک اصل اجتناب‌ناپذیر مبدل گشت. بر همین اساس حجم پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون وضعیت شاخص‌های ملی و فضای مفهومی حکمرانی خوب در داخل کشور مضاعف گشته است.

هر کدام از پژوهش‌های صورت گرفته با محوریت حکمرانی در تلاش برای کاربرد نتایج تحقیق خود به ارائه توصیه‌ها، راهکارها و برخی پیشنهادها پژوهشی پرداخته بودند. با واکاوی و استخراج راهکارهای مندرج در مقالات در دو دسته «دولت‌محور» و «جامعه‌محور» مشخص شد که اغلب محققان نقش دولت و سیاست‌گذاری بالادستی را در ارتقاء حکمرانی خوب را بااهمیت‌تر دانسته‌اند. این راهکارهای اجرایی مواردی همچون تقویت جامعه مدنی از طریق تقویت احزاب و آزادی نشریات و مطبوعات، اصلاح ساختار اداری از طریق تمرکززدایی، نهادینه کردن نظام شایسته‌سالاری در استخدام‌ها و روان‌سازی و ساده‌سازی رویه‌ها اهتمام در عمل به حکمرانی خوب را شامل می‌شد. تمرکز بر نقش دولت‌ها در ساماندهی مسیر توسعه بیش از هر چیز در نگاه پیتر ایوانز برجسته است. ایوانز حضور دولت‌ها را ضامن عملکرد مطلوب نهادهای سیاسی و اقتصادی در مسیر تحولات و اقداماتی می‌داند که توسعه همه‌جانبه را در دستور کار قرار داده است. ایوانز با اتخاذ رویکرد وبری معتقد است که دولت نقش اساسی در توسعه جوامع در حال گذار دارد. اگر دولت‌ها بتوانند دیوان‌سالاری خود را به شرط کارآمدی و توانایی گسترش دهند (نه اینکه کاهش دهند)، می‌توانند با برخی شروط فرایند توسعه را طی نمایند. اگر دولت‌ها دیوان‌سالاری منسجمی داشته باشند و این دیوان‌سالاری دولتی به جای اینکه تصدی‌گری اقتصاد را به عهده بگیرد، فقط قابله و پرورش‌گر کارآفرینان بخش خصوصی باشد، توسعه روی خواهد داد. همچنان که در برخی کشورهای شرق آسیا رخ داده است (*Afshar & et. al., 2015: 31*). با این‌وجود راهکارهای متمرکز بر مشارکت مردم و نقش جامعه نیز از اهمیت ویژه‌ای در میان پژوهش‌های منتخب برخوردار بودند. این یافته با

نظر میگدال در تبیین نقش جامعه در شکل‌دهی به سیاست‌ها در جهان کنونی همسویی دارد. بر خلاف دیدگاه دولت‌گرا، دیدگاه «جامعه‌محور» میگدال، توسعه دستگاه دولتی را بر اساس نوع ساختارهای اجتماعی تعیین می‌کند که به دنبال تنظیم آن است. او معتقد است که دیدگاه دولت‌محور در کشورهای در حال توسعه آموزنده نیست، زیرا موضوع اصلی استقلال و قدرت دولت را نمی‌توان پیش‌فرض گرفت. چرخش از نگاه دولت‌محور به رویکردهایی که بتواند نقش‌آفرینی سازمان‌های مردم‌نهاد و انجمن‌های منطقه‌ای را برجسته سازد، در سال‌های اخیر هواداران زیادی پیداکرده است. در همین راستا هر چند که سیاست‌های توسعه‌ای [همانند بهبود حکمرانی خوب] مبتنی بر مشارکت مردمی به‌طور مستمر اتخاذ و اجرا نمی‌شوند، با این حال اکنون به‌طور کلی پذیرفته شده است که این نوع سیاست‌ها، به شرط حضور واقعی مردم موفقیت‌آمیزترند (*Pieterse, 2021: 122*).

شناسایی ابزارهای تحلیل محققان داخلی در بررسی حکمرانی خوب نیز مضمون یکی دیگر از پرسش‌های پژوهش را به خود اختصاص داده بود. در ارزیابی و استخراج شاخص‌های مورد استفاده برای حکمرانی خوب و همچنین عواملی که در ارتباط با آن مورد تحلیل قرار گرفته‌اند تمرکز بر محتوای روش‌شناختی مقالات بوده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که اغلب پژوهشگران داخلی در تحلیل و بررسی حکمرانی خوب از ابزارها و شاخص‌های معتبر و عمدتاً جهانی استفاده کرده‌اند. بررسی‌ها نشان داد که هر دودسته شاخص‌های مورد استفاده ـ چه متمرکز بر حکمرانی خوب و چه متمرکز بر عوامل مرتبط یا اثرگذار بر آن ـ اغلب با اقتباس از اسناد و منابع انتشاریافته توسط نهادهای بین‌المللی همانند بانک جهانی، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و یا گزارش توسعه سازمان ملل متحد، طراحی و مورد سنجش قرار گرفته‌اند. این امر دور از انتظار نبوده است، چرا که بخش زیادی از مطالعات بر مبنای مقایسه‌های بین کشوری از حیث حکمرانی خوب صورت گرفته و می‌توان گفت اغلب محققان برای دستیابی به نتایج مورد وثوق ناگزیر از کاربرد شاخص‌ها و معیارهایی در سطح بین‌المللی (و نه الزاماً بومی) بوده‌اند. با این حال متناسب با اهداف هر پژوهش تلاش‌هایی برای ساخت ابزارها و شاخص‌های زمینه‌محور در میان برخی از مطالعات به چشم می‌خورد.

مؤلفه‌های گوناگون حکمرانی خوب هر کدام مبنای یکی از تحقیقات با محوریت حکمرانی و حکمروایی خوب بوده‌اند. یافته‌های پژوهش در این زمینه نشان داد که اکثر مطالعات مرتبط در تلاش برای تحلیل و تبیین حکمرانی خوب، به مؤلفه «کارایی و اثربخشی»

بیش از سایر مؤلفه‌ها توجه داشته‌اند. افزایش کارایی و اثربخشی از جمله اهداف اجرایی‌سازی حکمرانی خوب به شمار می‌رود که در صورت تحقق می‌تواند سایر مؤلفه‌ها را نیز از وجه مثبت تحت‌الشعاع قرار دهد. کارایی و اثربخشی از ویژگی‌های کلیدی یک حکمرانی خوب است که بخش عمومی را مسئول یافتن شیوه‌هایی برای استفاده بهینه از منابع (انسانی، اقتصادی و غیره) به منظور اطمینان از پوشش نیازهای جمعیت در بهترین شرایط می‌کند (*Florina, 2017: 35*). به‌طور کلی، کارایی و اثربخشی در حکمرانی خوب می‌بایست به شکل همه‌جانبه و هماهنگ با سایر فعالیت‌ها موردتوجه قرار گیرند تا سازمان‌ها و نهادهای عمومی بتوانند بهترین خدمات را به شهروندان ارائه دهند و اهداف خود را با موفقیت دنبال کنند.

بی‌شک گام نهادن به فراسوی وضعیت غالب در بررسی هر موضوع و دستیابی به افق‌های تجربی و نظری جدید در سایه ارائه برخی از مهم‌ترین پیشنهادها به محققان علاقه‌مند حاصل خواهد شد. نگاه به ادبیات حکمرانی خوب در سال‌های اخیر حکایت از افزایش توجه سیاست‌گذاران و حلقه‌های پژوهشی به اهمیت این موضع در برنامه‌های اجرایی و سرفصل‌های پژوهشی مصوب دارد. بر همین اساس برخی از پیشنهادها پژوهشی با هدف کمک به محققان علاقه‌مند برای انجام پژوهش‌هایی با عمق و کیفیت بیشتر ارائه می‌شود.

پیشنهادات پژوهش

۱- اگر چه سهم محققان رشته‌های اقتصاد و مدیریت در بررسی حکمرانی خوب بیش از سایر حوزه‌هاست؛ اما در سال‌های اخیر اهمیت آن در حوزه مسائل اجتماعی جوامع، به ویژه ایران دو چندان شده است. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود پژوهشگران حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی، به ویژه جامعه‌شناسی سیاسی و جامعه‌شناسی توسعه با در نظر گرفتن ملاحظات نظری و روش‌شناختی نسبت به بررسی این موضوع توجه بیشتری نشان دهند. بدین منظور می‌توان ارزیابی حکمرانی خوب را از حیث اثرگذاری و پیوند با موضوعات خرد و کلان همانند دین‌داری، سرمایه اجتماعی، هویت اجتماعی، جامعه‌پذیری و ... در دستور کار قرارداد.

۲- امروزه چرخش فرهنگی به سمت توجه به نقش‌آفرینی نیروهای ملی و منطقه‌ای در سیاست‌گذاری توسعه، به‌ویژه در بحث از توسعه سیاسی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. اکنون

نیرومندترین شکل گفتمان فرهنگ و توسعه خواستار توسعه جایگزین مبتنی بر فرهنگ منطقه‌ای است و در دورانی برای تعیین مرزهایش تلاش می‌کند که مرزها شکسته و درهم شده‌اند (*Pieterse, 2021: 102*). از آنجایی که اغلب مطالعات حکمرانی خوب توجه بسیار اندکی به مکانیسم اثرگذاری عوامل فرهنگی در صورت‌بندی اصول و مبانی آن داشته‌اند توصیه می‌شود محققان بعدی پژوهش‌هایی با محوریت حکمرانی خوب منطقه‌ای و یا نقش عوامل فرهنگی و منطقه‌ای در شکل‌دهی به تدوین و همچنین اجرای اصول بنیادین آن در بافت‌های فرهنگی گوناگون داشته باشند.

۳- همان‌گونه که اشاره شد یک‌جانبه‌نگری در کاربرد رویکردهای کمی‌نگر در تحلیل حکمرانی خوب و فرو غلتیدن در روش‌شناسی پوزیتیویستی از جمله مهم‌ترین نقاط ضعف موجود در مطالعات یک دهه اخیر بوده است. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود محققان علاقه‌مند در پژوهش‌های بعدی از رویکردهای کیفی و یا ترکیبی بیشتر استفاده کنند. این امر به نوبه خود زمینه بیشتری برای توجه به بافت منطقه‌ای و مضامین فرهنگی موجود در جمعیت‌های گوناگون را فراهم می‌سازد. علاوه بر این نگاه به سیاست‌های اجرایی دولت‌ها که در قالب حکمرانی خوب بر شهروندان یک جامعه اعمال می‌شود، از زاویه دید خود آن‌ها، به ادراک دقیق‌تر از آن سیاست‌ها و برنامه‌ها خواهد انجامید.

۴- تمرکز بر نقش و جایگاه دولت‌ها در تحقق حکمرانی خوب، نباید باعث به حاشیه رفتن اهمیت جامعه و عرصه عمومی در این زمینه شود. حکمرانی خوب نیازمند مشارکت فعال شهروندان است. در این راستا پژوهش‌ها می‌توانند به شناسایی و تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های موجود در زمینه مشارکت عمومی کمک کنند. علاوه بر این پژوهش‌های حکمرانی خوب با محور قرار دادن جامعه و عرصه عمومی می‌توانند به توانمندسازی جوامع محلی کمک کرده و ظرفیت‌های آن‌ها را برای مدیریت مسائل خود افزایش دهند. مسائلی همانند تغییرات اقلیمی، نابرابری اجتماعی و بحران‌های اقتصادی نیازمند همکاری مؤثر بین‌المللی و محلی هستند. توجه به جامعه و حوزه عمومی می‌تواند راهکارهای مؤثری برای این چالش‌ها ارائه دهد.

۵- علیرغم اینکه تلاش‌هایی برای انجام برخی پژوهش‌ها با تمرکز بر دیگر سنخ‌های حکمرانی خوب همانند حکمرانی خوبِ شهری صورت گرفته است، اما به نظر می‌رسد با توجه به غنای ادبیات نظری پیرامون این مفهوم و ماهیت بین‌رشته‌ای آن، ظرفیت‌های بسیاری برای

پرداختن به دیگر ابعاد و گونه‌های حکمرانی خوب در داخل کشور وجود دارد. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود محققان علاقه‌مند پژوهش‌هایی تجربی یا نظری با محوریت دیگر انواع حکمرانی خوب یا قلمروهای دیگر آن همانند حکمرانی خوبِ منطقه‌ای، حکمرانی خوبِ روستایی، حکمرانی خوبِ محیط زیستی، حکمرانی خوبِ قومی و امثالهم داشته باشند.

References:

Abbasi, M, & Sirajzadeh, S.H. (2015). "Methodological issues in systematic review along with evaluation of Iranian articles based on this method", Iranian Journal of Social Studies (3) 132-160. (Persian).

Afshar, Z. A, Kaousi, I, & Jafari, R. (2015). "Comparative comparison of successful and unsuccessful development in transition countries", World Challenges Quarterly (1) 23-50. (Persian).

Anbari, M. (2015). Development Sociology: From Economy to Culture. Tehran: Samit Publications. (Persian).

Aromataris, E, & Pearson, A. (2014). "The Systematic Review: an Overview", The American Journal of Nursing 114(3) 53-58.

Attar, S. (2011). "Japan and Development: a look at the place of the planning system and the law of the development plan in the development process of Japan", Politics Quarterly, Journal of School of Law and Political Sciences (4) 145-125. (Persian).

Bahmani, S; Hemmti, R; Moltafat, H, & Izadi Jeiran, A. (2018). "Systematic review of studies conducted in the field of marginalization (1997 to 2016)" Scientific-Research Quarterly of Social Welfare (71) 133-85. (Persian).

Boas, M. (1998). "Governance as Multilateral Bank policy: The Case of African Development Bank", European Journal of Development Research (2) 117-134.

Bolesta, A. (2007). "China as A Developmental State", Montenegrin Journal of Economics (5) 105-111.

Bresser-Pereira, L. (2019). "Models of the Developmental State", Journal of Capal Review (128) 35-46.

Cingolani, L. (2013). The State of State Capacity: A Review of Concepts, Evidence and Measures. AFD and the French Ministry of the Economy Since.

Dean, M. (1999). Governmentality. Power and Rule in Modern Society. London: Sage.

Evans, P.B. (2011). Development or robbery: the role of the government in industrial transformation (Translators: Abbas Zandbaf and Abbas Mokhbar), Tehran: Tarhe Now Publications. (Persian).

EskandariNejad, K. & FathiAshtiani, A. (2020). “Investigating factors affecting divorce in the last decade (systematic review)”, Journal of Islamic Studies of Women and Family (14) 53-86. (Persian).

Fairclough, N. (1992). Discource and Social Change. Cambridge: Polity Press.

Fararu. (2023). Iran's decline in the ranking of the Legatum index. https://fararu.com/fa/ (Persian).

Fazeli, M. & Jalilikonari, M. (2011). “Explaining the level of corruption: a comparative study of the effect of governance quality and good governance”, Social and Cultural Strategy Quarterly 2(5)40-7. (Persian).

Fischer, F (2003). Reframing Public Policy. Discursive Politics and Deliberative Practices. Oxford: Oxford University Press.

Florina, P. (2017). “Elements on the Efficiency and Effectiveness of the Public Sector, Ovidius University Annals”, Economic Sciences Series. 20(2) 313-319.

Foucault, M. (1991). “Governmentality, in Burchell et al (eds.): The Foucault Effect”, Hertfordshire: Harvester Wheatsheaf, 87-104.

Fukuyama, F. (2017). Political order and decline (Translator: Rahman Ghahramanpour). Tehran: Rozeneh Publications. (Persian).

Ghanbari Barzian, A., & Hemmati, R. (2015). “Religious Identity in Iranian Society: A Systematic Review of Previous Studies (2001-2013)”, Journal of Applied Sociology, 26(3), 117-138. (Persian).

Holmes, B. (2011). Citizens’ Engagement in Policymaking and the Design of Public Services. Parliamentary Library, Parliament of Australia.

IMF. (2022). "IMF and Good Governance", https://imf.org.

Islamic Council Research Center (2005). The theory of good governance: empowering the government. Good governance research project: Bureau of Economic Studies: Serial number: 6947. (Persian).

Jabbari, A. (2018). “Good ruling”, Encyclopedia of Economics (2) 3-1. (Persian).

Jessop, B. (2001). “Bringing the State Back in (Yet again): Review, Revisions, Rejection and Redirections”, International Review of Sociology (11) 149-173.

Johnson, Ch. (1999). The Developmental State: Odyssey of A Concept . Cornell University Press.

Lambropoulos, V. (1997). "Justice and Good Governance", Thesis Eleven, 49(1), 1-30.

Mann, M. (1986). The Source of Social Power: A History of Power Frome the Begining to A.D 1760. Cambridge Cambridge University Press.

Mann, M. (1993). The Source of Social Power: The Rise of Classes and Nation-States, 1760-1914. Cambridge University Press.

Mehrabi, D. (2019). "The position of the family in media literacy research in Iran: a systematic review", World Journal of Media (27) 128-112. (Persian)

Migdal, J.S. (1988). Strong Societies and Weak States: State Society Relations and State Capablites in the Third World . Prinston University Press.

Mirmohammadkhani, M; Ziari, A & Momeni, M. (2020). "Systematic review and meta-analysis of health literacy in the elderly in Iran", Elderly Journal (57) 13-53. (Persian)

Muchtar, R.U; Nurlinah & Syamsu (2023). "Analysis of the Effectiveness and Efficiency of Good Governance in the Department of Community Empowerment and Village of Gowa Regency", Proceedings of the 3rd International Conference on Linguistics and Cultural (ICLC). 2(4) 451-464.

Nily, M. (2008). Government and Economic Growth in Iran. Tehran: Ney Publishing. (Persian).

North, D. C (2015). Institutions, institutional changes and economic performance (Translator: Mohammad Reza Moini). Tehran: Publications of the Organization of Management and Planning of the Country. (Persian).

OECD. (2006). Glossary of Statistical Terms.

Page, M. J., McKemzie J., Bossuyt P., Boutron I., Hoffman T., Mulrow C., & et. al. (2021). The PRISMA 2020 statement an updated guideline for reporting systematic reviews. BMJ. 372, n71.

Pieterse, J. N. (2021). Development Theory: Foundation Breakdowns and Reconstructions (Translators: Reza Hemti and Babak Lalfam). Isfahan: Isfahan University Press. (Persian).

Shah, A. (2006). Local Governance in Developing Countries (Public-sector Governance and Accountability). Washington DC: World Bank Publications.

Skocpol, T. (1979). States and Social Revolutions: A Comparative Analysis of France. Russia and China, Cambridge University Press.

Skocpol, T. (1985). Bringing the State Back in Strategies of Analysis in Current Research. In Evans, P.B, Rueschenmayer, D and Skocpol, T, Editors. Cambridge University Press.

Suhradi, M; Huda, S.A, Mulyardi, D & Nazopah, N. (2020). "The Effect of Organizational Culture, Leader behaviors, Job satisfaction and Justice on Organizational commitment", Journal of Applied Science, Engineering, Technology and Education 2(1) 37-42.

Shaheen, N., Shaheen, A., Ramadan, A., Hefnawy, M. T., Ramadan, A., Ibrahim, I. A., Hassanein, M. E., Ashour, M. E., & Flouty, O. (2023). "Appraising systematic reviews: a comprehensive guide to ensuring validity and reliability", Frontiers in research metrics and analytics, 8, 1268045.

Shamsi, V., Hemmati, M., & Enayat, H. (2022). "A Systematic Review of Work-Family Conflict Studies in Iran", Sociology of Social Institutions, 9(19) 59-84. (Persian).

Shojaei, J., & Yazdkhasti, B. (2017). "A systematic review of studies of fertility decline in the last two decades", Women's Strategic Studies, 19(75) 137-159. (Persian).

Thompson, A.; Lachance E.; & Parent M. M. (2022). "A Systematic Review of Governance Principles in Sport", European Sport Management Quarterly (11) 515- 535.

UNDP. (2021). Is Good Governance Anecessary Precusor to Peace?. https://undp.org.

Wampler B. (2012). "Participatory Budgeting: Core Principles and Key Impacts", Journal of Public Deliberation. 8(2):12–13.

World Bank (1993). "Manual Report". https://worldbank.org.

World Bank. (2007). Governance Indicators: Where are We. Where Should We Be Going?

World Bank (2022). WGI 2022 Interactive.

Yiew, T. H., Habibullah, M. S., Law, S. H., & Azman-Saini, W. N. W. (2016). "Does bad governance cause armed conflict", International Journal of Applied Business and Economic Research, 14(6), 3741-3755.

Yurdusev, N.A. (1993). "Level of Analysis and Unit of Analysis: A Case for Distinction", Journal of Millennium (1) 77-88.

Zakersalehi, G. & Qanirad, S.M. (2014). "A systematic review of meta-analysis of Iranian researches in the field of social studies of science and technology", Iranian Journal of Social Studies (2) 21-63. (Persian).

Good Governance: A Systematic Review of Studies Conducted in Iran

Mohammad Shamsi[1], *Reza Hemmati (Ph.D)*[2]

DOI: 10.22055/QJSD.2024.46499.2936

Abstract:

With the development theorists welcoming new issues and also increasing attention to the role and efficiency of the government institution since the 1990s, issues such as "Good Governance" became the top of the interests of relevant researchers. In Iran, since the last two decades, a large number of studies in various fields of human sciences have been dedicated to the role and importance of good governance. Purpose: The present research was carried out with the aim of deeper understanding of the content of these studies as well as evaluating their results. Method: In order to achieve the mentioned goal by using the systematic review method, after identifying more than 150 related articles in internal databases, 30 articles published in the last fifteen years (2006-2021) were selected as samples. Findings: The results indicated that most domestic researchers were interested in analyzing this issue at the "national" level. In addition, among the components of good governance, "efficiency and effectiveness" has been the focus of researchers more than other components. The evaluation of the studies from a methodological point of view also showed that most of the researches in measuring and analyzing good governance have made a lot of effort to use valid indicators and tools at the global level. The analysis of solutions and suggestions contained in the articles has also shown attention to the role of both "government" and "society" in improving the governance situation. Conclusion: According to the findings of the research, it can be said that half of the conducted studies lacked any definite strategy or suggestion. Also, the researchers' little attention to the context and cultural context in the study of good governance has been another shortcoming in these studies.

***Key Concepts**: Good Governance, Development, Government, Systematic Review*

[1] PhD Student in Economic Sociology and Development, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran v.shamsi@ltr.ui.ac.ir

[2] Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding Author), r.hemati@ltr.ui.ac.ir

© 2019 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/).